

سیر تکوین و گونه‌بندی سنت ایرانی اندرزنامه‌های سیاسی در جهان

ابوالفضل کاوندی کاتب - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر حاتم قادری - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

انبوهی از اندرزنامه‌های سیاسی در تاریخ ایران و جهان به یادگار مانده است. با شناخت هدفها، کارکردها، فلسفه، ماهیت و ویژگیهای کلی اندرزنامه‌ها روشن می‌شود که نگارش این متون، یک الزام اساسی برای حکومت‌های سنتی بوده که با یک الگو و روند مشخص تا پیدایش حکومت مدرن ادامه یافته است. نقطه آغاز اندرزنامه‌نویسی و کانون گسترش آن در جهان سیاسی پیش از دوران مدرن، ایران است. نیاز حکومت و مردمان به بیان خواسته‌های خود با زبانی همه فهم و دوسویه و استقبال کم مانند از آن، مایه توسعه این سنت کهن شد. در این نوشتار با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی، در پی معرفی گونه‌بندی جغرافیایی، تاریخی و محتوایی اندرزنامه‌های سیاسی در جهان هستیم. همچنین، نشان داده می‌شود که چرا اندرزنامه‌نویسی، از جهان باستان تا زمان پاگرفتن حکومت‌های مدرن ادامه یافته و همواره مورد استقبال حکومت‌های مطلقه و تاریخی بوده است.

درآمد

کشورداری و روشهای مطلوب اداره حکومت است و بر سر هم می‌توان گفت که اندرزنامه‌نویسان حکومت و مناسبات سیاسی را می‌شناخته‌اند و آنچه را که می‌توانسته در روند رابطه حکومت و مردمان و در بهبود اوضاع کشور کارساز باشد، با نرمی و لطافت به نظم و نثر خطاب به فرمانروا، از دید خود یا از دید جامعه، بیان کرده‌اند. به سخن دیگر، اندرزنامه‌ها گویای «آرزوها، خواسته‌ها، هدفها و اندیشه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه در برخورد با حکومت

نگارش اندرزنامه‌های سیاسی، گامی مهم در راه توسعه اندیشه سیاسی و نشان دادن کارویژه‌های سنتی دستگاه سیاسی حکومت در جهان بوده که سده‌ها ادامه یافته است. ریشه پیدایش اندرزنامه‌های سیاسی، شیوه سنتی حکومت، یعنی حکومت خودکامه بود و از همین رو، با سربرآوردن کشورهای مدرن در جهان، تاریخ مصرف این شیوه نگارشی نیز پایان یافت. اندرزنامه‌های سیاسی، متونی در زمینه آیینهای

● با شناخت هدفها، کارکردها، فلسفه، ماهیت و ویژگیهای کلی اندرزنامه‌ها روشن می‌شود که نگارش این متون، یک الزام اساسی برای حکومت‌های سنتی بوده که با یک الگو و روند مشخص تا پیدایش حکومت مدرن ادامه یافته است. نقطه آغاز اندرزنامه‌نویسی و کانون گسترش آن در جهان سیاسی پیش از دوران مدرن، ایران است. ایرانیان در نگارش و توسعه اندرزنامه‌های سیاسی همواره پیشگام بوده‌اند و نوآوری کرده‌اند و در بسیاری از اندرزنامه‌ها می‌توان اثری از اندیشه سیاسی و فرهنگی ایرانی یافت.

نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۰۲؛ ۵۲۷: ۲۰۰۹ (Marlow)

اندرزنامه‌ها با کلمات قصار و پندهای خردمندانه، و با داستانهای روشنگرانه تاریخی، جریانی ادبی در فارسی میانه بود. هرچند شمار آثار پهلوی برجا مانده در این زمینه اندک است، اما از آنها بسیار گفته شده و قهرمانان یاد شده در آنها، چهره‌هایی برجسته در ادبیات عرب و اندرزنامه‌ها شده‌اند. حکمت دنیوی، کشورداری عملی و رفتار ملاحظه‌کارانه در سیاست و جنگ، موضوع اندرزنامه‌ها بود (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۸۰؛ کریستین‌سن، ۱۳۵۰: ۸۰؛ میرباقری فرد و دیگران، ج اول، ۱۳۸۱: ۶۹؛ مشتاق مهر، ۱۳۸۵: ۸۵؛ Crone, 2004: 149; Bosworth, 1983: 488

ابوعلی مسکویه (۲۰-۳۲۰ هـ.ق)، مترجم برجسته آثار پهلوی در دوران اسلامی، در کتاب جاویدان خرد یا الحکمة الخالده، ترجمه اندرزنامه‌های پهلوی را زیر عنوان «آداب الفرس» آورده است. جاویدان خرد در موضوع حکمت عملی از زبان پهلوی به عربی است (میرفخرایی، ۱۳۹۱: ۱۰۹؛ تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۱۸۵؛ مشتاق مهر، ۱۳۸۵: ۸۵). در کتیبه‌های بازمانده از روزگار هخامنشیان نیز می‌توان مضمون سیاسی و اندرزنامه‌ای آنها را بازجست. کتیبه بیستون متعلق به داریوش هخامنشی (۵۲۱-۴۸۶ پیش از میلاد) با اندرز پایان می‌یابد:

«ای آنکه پس از این شاه خواهی بود با همه توان

و کشور است». اندرزنامه‌ها ماهیت پوزیتیویستی و واقع‌گرایانه دارد؛ یعنی اندرزها برآمده از تجربیات گوناگونی است که بارها تکرار شده و به صورت قانونی طبیعی درآمده، هرچند ضمانت اجرا ندارد.

تاکنون مقاله‌ها و کتابهای بسیار در پیوند با سنت ادبی اندرزنامه‌نویسی سیاسی به نگارش درآمده است. در این نوشتار کوشیده‌ایم با تحلیلی تاریخی و با مقیاس جهانی به موضوع اندرزنامه‌ها، سیر تکوین و گونه‌بندی تاریخی، جغرافیایی و محتوایی این سنت ایرانی جهانشمول بپردازیم. اینکه تأکید می‌شود اندرزنامه‌نویسی سنتی جهانی است، از آن‌روست که کمابیش همه حکومت‌های باستانی و تاریخی بویژه پس از اسلام به این موضوع توجه ویژه داشته‌اند. نکته دیگر آنکه ایرانیان در نگارش و توسعه اندرزنامه‌های سیاسی همواره پیشگام بوده‌اند و نوآوری کرده‌اند و در بسیاری از اندرزنامه‌ها می‌توان اثری از اندیشه سیاسی و فرهنگی ایرانی یافت. نکته پایانی نیز ادامه یافتن این سنت ادبی و سیاسی در ایران و جهان است. نوشتن اندرزنامه‌های سیاسی در ایران باستان، دوران اسلامی، در اروپا، آسیا، امپراتوریهای روم، سلجوقی، مغولی و عثمانی، پادشاهی صفوی و تا پایان دوران قاجار دنبال شده است.

اندرزنامه‌های سیاسی در ایران باستان

توجه به اندرز در ایران، پیشینه‌ای به درازای تاریخ دارد. این سنت در دوران اسلامی ادامه یافت و بسیاری از ادیبان و بزرگان ایرانی بدان روی آوردند (خوئینی و رحمتیان، ۱۳۹۴: ۱۱۵؛ تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۲۰۲؛ محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۲۶۰؛ صفا، ۱۳۶۸: ۳۶۳؛ مرسلپور و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۰؛ اعوانی، ۱۳۷۷: ۲۰۷؛ امانی چاکلی و منافی، ۱۳۹۴: ۱۱۳؛ یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۸۴؛ روزبهبانی و امیرحیدری، ۱۳۹۳: ۱۴۹؛ علی مددی، ۱۳۹۴: ۱۰۸؛ ریپیکا، ۱۳۸۳: ۱۷۲؛ Bosworth, 1983: 488; Leder, 1999: 127; Marlow 2009: 527). می‌توان گفت که ایرانیان از رواج‌دهندگان اصلی اندرزنامه‌ها بوده‌اند (یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۸۴؛ تاجیک

اوستا را گردآوری کنند، فیلسوفان و مترجمان را از دیگر کشورها به ایران جلب کرد و همچنین شماری از دانشمندان را به کشورهای دیگر گسیل داشت (همایی، ۱۳۶۶:۱۴۶-۱۴۳). امروزه اندرزنامه‌های سیاسی مهمی به صورت نامه، عهد، توفیق، خطبه و... از وی برجا مانده است.

«کارنامه اردشیر بابکان» تنها اثر تاریخی به زبان پهلوی است. این کتاب که چه بسا در اواخر روزگار ساسانی نوشته شده، داستان اردشیر بابکان و چگونگی رسیدن او به پادشاهی است (صفا، ۱۳۶۳:۱۳۲). پاره‌ای از خطابه‌های اردشیر بابکان در برخی از کتابهای ادبی و تاریخی پس از اسلام همچون شاهنامه فردوسی و مروج الذهب مسعودی نقل شده است (همایی، ۱۳۶۶:۱۹۷). مسعودی بخشهایی از نامه‌های اردشیر به نزدیکان و کارگزاران خود و جهشیاری، بخشی از نامه این شاه را خطاب به وزیرانش نقل کرده است. مهمترین نامه منسوب به دوران اردشیر، «نامه تنسر» است که با اندرزنامه اردشیر همانندیهایی دارد (تفضلی، ۱۳۸۶:۲۲۷). اندرزنامه اردشیر که در برخی از منابع اسلامی به صورت عهد اردشیر آورده شده، نه تنها مورد توجه شاهان ساسانی قرار گرفت، بلکه در دوران اسلامی نیز توجه خلفا را به خود جلب کرد (امانی چاکلی و منافی، ۱۳۹۴:۱۱۲). عهد اردشیر از برجسته‌ترین و نخستین اندرزنامه‌های ساسانی بود که به عربی برگردانده شد. حتی پاره‌ای از پژوهشگران، ترجمه عهد اردشیر را پیش از آغاز نهضت ترجمه و در اواخر دوران امویان دانسته‌اند (عباس، ۱۳۴۸:۶۴). اندرزهای اردشیر الگویی برای اندیشه سیاسی در دوران اسلامی فراهم آورد (مرسلپور و دیگران، ۱۳۹۱:۹۰). خسرو انوشیروان در آثار بعدی اسلامی ملقب به دادگر است. در زمان او، زمینه نهضت علمی و ایرانی آماده گشت (همایی، ۱۳۶۶:۱۴۶-۱۴۵). انوشیروان از آموزش و اندرزهای وزیر خود، بزرگمهر، بهره می‌جست. بزرگمهر به او فهماند که قدرت انسان در دانش اوست و دانش منشاء حکمت است (Aigle, 2007:23). اندرزنامه‌های فراوانی در پیوند با خسرو

از دروغ بهره‌یز. اگر می‌اندیشی چه کنم تا کشورم سالم بماند، دروغگو را باز پس آر، با دروغگو و آنکه بیداد کند دوست مباش، از آنان با شمشیر بازخواست کن». اوستا، زمینه اصلی اندرزهای پهلوی است (فوشه‌کور، ۱۳۷۷:۱۸؛ روزبهرانی و امیرحیدری، ۱۳۹۳:۱۵۵؛ میرفخرایی، ۱۳۹۱:۱۰۸؛ de Menasce, 1958:38). گذشته از منابع ایرانی، می‌توان جای پای منابع یونانی، رومی، مصر باستان، خاورمیانه و هندی را نیز در اندرزنامه‌های ایرانی دید (فوشه‌کور، ۱۳۷۷:۱۸؛ Marlow, 2009:527; Al-Azmeh, 1997:7).

در میان شاهان ساسانی، اردشیر بابکان (پادشاهی ۲۴۱-۲۲۴ میلادی) و خسرو انوشیروان (پادشاهی ۵۷۹-۵۳۱ میلادی) بیش از دیگران به سنت اندرز احاطه داشتند (تفضلی، ۱۳۸۶:۲۱۵؛ Aigle, 2007:23). سنت ادبی اندرزنامه‌نویسی از راه ترجمه عهد اردشیر گسترش پیدا کرد و به اندرزنامه‌ها راه یافت (عباس، ۱۳۴۸:۵۷). اردشیر نیز مانند خسرو انوشیروان از یک شخص خردمند (تنسر) مشورت می‌گرفت و این یک سنت ایرانی بود (Aigle, 2007:23). رسمیت بخشیدن به دین زرتشت و پیوند دادن دین و سیاست از مهمترین کارهایی بود که از زمان وی آغاز شد و در سراسر دوران ساسانیان ادامه یافت. اردشیر دستور داد

● می‌توان گفت که اندرزنامه‌نویسان حکومت و مناسبات سیاسی را می‌شناخته‌اند و آنچه را می‌توانسته در روند رابطه حکومت و مردمان و در بهبود اوضاع کشور کارساز باشد، با نرمی و لطافت به نظم و نثر خطاب به فرمانروا، از دید خود یا از دید جامعه، بیان کرده‌اند. به سخن دیگر، اندرزنامه‌ها گویای «آرزوها، خواستها، هدفها و اندیشه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه در برخورد با حکومت و کشور است». اندرزنامه‌ها ماهیت پوزیتیویستی و واقع‌گرایانه دارد؛ یعنی اندرزها برآمده از تجربیات گوناگونی است که بارها تکرار شده و به صورت قانونی طبیعی درآمده، هرچند ضمانت اجرا ندارد.

• ابوعلی مسکویه، مترجم برجسته آثار پهلوی در دوران اسلامی، در کتاب جاویدان خرد یا الحکمه الخالده، ترجمه اندرزننامه‌های پهلوی را زیر عنوان «آداب الفرس» آورده است. جاویدان خرد در موضوع حکمت عملی از زبان پهلوی به عربی است. در کتیبه‌های بازمانده از روزگار هخامنشیان نیز می‌توان مضمون سیاسی و اندرزننامه‌ای آنها را بازجست. کتیبه بیستون متعلق به داریوش هخامنشی (۵۲۱-۴۸۶ پیش از میلاد) با اندرز پایان می‌یابد:

«ای آنکه پس از این شاه خواهی بود، با همه توان از دروغ پرهیز. اگر می‌اندیشی چه کنم تا کشورم سالم بماند، دروغگو را باز پس آر، با دروغگو و آنکه بیداد کند دوست مباش، از آنان با شمشیر بازخواست کن.»
اوستا، زمینه اصلی اندرزهای پهلوی است.

تأدیب پسرش؛ اندرز اوشندانا؛ اندرز مهرآذر گشنسب فرم‌دار به بزرگمهر؛ کتاب ششم دینکرد؛ عهدها و وصیتهای پادشاهان ساسانی مانند عهد شاپور و پسرش هرمز؛ نامه‌ها، مانند نامه قیصر روم به شاپور اول ساسانی و پاسخ شاپور به او؛ نامه‌های بهرام گور به بزرگان کشور و کارگزارانش در شهرهای گوناگون؛ نامه خسرو پرویز به جانشینش شیرویه؛ خطبه‌های پادشاهان ساسانی به هنگام تاجگذاری؛ آیین‌نامه‌ها؛ عهد شاپور و پسرش هرمز؛ پندنامه یا یادگار بزرگمهر؛ مزدک‌نامه؛ یادگار زیریران؛ خسرو کوتاتان و پسرش (خسرو پسر قباد)؛ فرهنگ پهلوی و پرسشهای اسکندر از ارسطو که بسیاری از این رساله‌ها دربرگیرنده جمله‌ها و عبارتهای کوتاه مستقل است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۰۴ تا ۲۳۸؛ ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۲۲۴-۲۰۳؛ همایی، ۱۳۶۶: ۲۰۱-۱۲۱؛ فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۲۵ تا ۴۱).

اندرزننامه‌های سیاسی در دوران اسلامی

رساله‌ها درباره هنر حکمرانی اسلامی در سده‌های میانه از محبوبیت بسیار برخوردار بود و در دارالاسلام

انوشیروان برجا مانده که چه بسا نقطه تازگی و دگرگونی در تاریخ ساسانی است (yarshater, 2006:161). یکی از آنها، پندنامه منسوب به انوشیروان است. اصل پهلوی این پندنامه از میان رفته است ولی شاعری به نام بدیع یا بدایعی بلخی (سده چهارم هـ.ق) آنرا به شعر آورده و آنرا راحه‌الانسان نامیده است. «کارنامه انوشیروان» اثر دیگری است که ترجمه عربی آنرا ابن مسکویه در کتاب خود آورده است؛ همچنین آثاری چون نامه‌های انوشیروان پس از رسیدن به پادشاهی به چهار پادوسبان چهار ناحیه کشور؛ خطبه انوشیروان پس از رسیدن به پادشاهی که در شاهنامه و تاریخ طبری آورده شده و توقیع (جمله یا جملات کوتاه حکمت‌آمیز) انوشیروان که مفصلترین مجموعه توقیعات به فارسی و دربرگیرنده ۱۷۳ پرسش و پاسخ است در کتابی به نام «دستورنامه کسری» یا «توقیعات انوشیروان» گرد آمده است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۴۳-۲۳۹؛ همایی، ۱۳۶۶: ۱۴۶-۱۳۹). همه اینها از نوع اندرزهای سیاسی و برای اداره شدن بهتر کشور بوده است.

خدای نامه (شاهنامه = کتاب پادشاهان) متعلق به سه تن از نویسندگان فارسی میانه (دانشور، فرخان مغ و رامین) در دوران فرمانروایی واپسین پادشاه ساسانی، یزدگرد سوم (۶۵۲-۶۳۳ میلادی) است. کتاب، تاریخ ایران را از زمانهای افسانه‌ای تا مرگ خسرو پرویز در ۶۲۸ میلادی پوشش می‌دهد (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۱۳۴؛ همایی، ۱۳۶۶: ۲۰۲؛ Bosworth, 1983:488). **خدای نامه** سرچشمه اندرزننامه‌های باستانی به‌شمار می‌آید (Darling, 2013:227). عبدالله ابن مقفع در سده دوم هجری آنرا به عربی ترجمه کرد و در ۳۴۶ هجری، چند تن از زرتشتیان آنرا برای حاکم توس، ابومنصور محمدبن عبدالرزاق به فارسی برگرداندند. مأخذ مهم فردوسی و دقیقی همین کتاب بوده که مفقود گشته است (بیات، ۱۳۷۷: ۶۳؛ ریپیکا، ۱۳۸۳: ۱۳۴؛ همایی، ۱۳۶۶: ۲۰۲؛ Aigle, 2007:23). گذشته از اندرزننامه‌های یادشده در دوران ساسانی، می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد که در زمینه آیین کشورداری آموزنده است: اندرز آذربادمهرسپندان (موبدان موبد شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ میلادی))؛ اندرز زادان فرخ در

ورود اسلام به اندرزنگاری را باید رویدادی اساسی دانست (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۸). نویسندگان پندنامه‌های اخلاقی این امکان را داشتند که سخنان حکمای قدیمی ایرانی را با اوضاع روزگار خود تطبیق دهند. احادیث پیامبر(ص) و امام علی(ع) در کنار قرآن، بخشی از بافت مکتوب اسلام را تشکیل داد و کم‌کم جایگاه ویژه‌ای به آن اختصاص داده شد (Aigle, 2007: 25).

در اندرزنامه‌های اسلامی، از منابع کلاسیک بویژه آثار افلاطون، نظریه اخلاقی ارسطو، آثار سیاسی و شبه‌ارسطویی و همچنین از نظریه‌های ساسانیان درباره پادشاهی، ادبیات شفاهی عربیها و اندرزهایی از شاهان و خلیفه‌ها بهره گرفته شده است (Bosworth, 1970: 25; Gutas, 1981: 59; Darling, 2013: 231; Lambton, 1971: 419-442; Marlow, 2013b). قدیمی‌ترین پندنامه‌های اخلاق حکومتی که به دست ما رسیده، از سده هشتم میلادی به زبان عربی است (Gutas, 1981: 49-86). گویا اندرز سیاسی اسلامی نخستین بار از یک وصیتنامه کوتاه و سپس نامه‌ها و سفارشهای خلفای نخستین به جانشینان و پیروانشان برداشت شده است (نامه‌های امام علی(ع) به کارگزارانش، عمر به فرمانداران و جانشینش، معاویه به زیاد و یزید، منصور به مهدی و مأمون به معتصم). هنگامی که سلیم، منشی خلیفه هشتم (۴۳-۷۲۴م)، ترجمه نامه‌های به ظاهر متعلق به ارسطو خطاب به اسکندر را ویرایش کرد، این نامه‌ها به گونه گسترده خوانده و یکی از آنها بن‌مایه کتاب «اسرار» شد؛ اثری سیاسی، اندرزی و مشاوره‌ای که در سده‌های میانی در اروپا، با عنوان «اسرار پنهان» محبوبیت بسیار یافت و به زبانهای گوناگون ترجمه شد. دیگر آثار یونانی بویژه کتاب *The Oikonomos of Bryson* (سده دوم میلادی) در زمینه مدیریت خاندانی و نامه Themistius (۳۸۸ میلادی) به جولین (Julian) مرتد نیز ترجمه شد (Crone, 2004: 151).

ولی شیوه نگارش اندرزی، خیلی زود با سنت ایرانی گسترش یافت. در سده دهم میلادی، نویسندگان ایرانی همراه دولت بودند، به‌گونه‌ای که ابن‌الدایای مصری ناگزیر شد از یونانیان در برابر اتهامات حقارت‌آمیز در

به نگارش در می‌آمد. سنت اندرزنامه‌نویسی از دیدگاه فرهنگی بویژه در ایران، آسیای مرکزی، بخشهای مسلمان‌نشین هند و آناتولی رواج داشت (Aigle, 2007: 17). اندرزنامه‌ها، خیلی زود بویژه در اواخر دوران بنی‌امیه و اوایل دوران عباسی در جهان اسلام گسترش یافت (Abbés, 2010: 373; Luce, 2010: 1916). اندرزنامه‌ها از چند نظر تمدن در دوران اسلامی را درخشان کرده است. نخست، ملاحظات اخلاقی و معنوی که راهنمایی حاکم در سیاستهایش مفروض دانسته شده است و بیش از آنکه جنبه کاربردی برای حکومتها داشته باشد، جنبه تئوریک دارد. دوم، اطلاعات اندرزنامه‌ها درباره اقدام نهاد دولتی، همیشه در سطح نظری نیست. سوم، اندرزنامه‌ها اطلاعاتی هرچند کوچک و بی‌ارزش، درباره زندگی زیر نظر پادشاهان و نجیب‌زادگان به دست می‌دهد. سرانجام، اندرزنامه‌ها خطوط با ارزش پژوهش میان فرهنگی است (Bosworth, 1970: 25). به هر روی، در سراسر سده نخست و بخشی از سده دوم، تنها محور علوم مسلمانان، قرآن بود (همایی، ۱۳۶۶: ۲۷۴). بدین سان،

● در میان شاهان ساسانی، اردشیر بابکان و خسرو انوشیروان بیش از دیگران به سنت اندرز احاطه داشتند. سنت ادبی اندرزنامه‌نویسی از راه ترجمه عهد اردشیر گسترش پیدا کرد و به اندرزنامه‌ها راه یافت. اردشیر نیز مانند خسرو انوشیروان از یک شخص خردمند (تنسر) مشورت می‌گرفت و این یک سنت ایرانی بود. رسمیت بخشیدن به دین زرتشت و پیوند دادن دین و سیاست از مهمترین کارهایی بود که از زمان وی آغاز شد و در سراسر دوران ساسانیان ادامه یافت. اردشیر دستور داد اوستا را گردآوری کنند، فیلسوفان و مترجمان را از دیگر کشورها به ایران جلب کرد و همچنین شماری از دانشمندان را به کشورهای دیگر گسیل داشت. امروزه اندرزنامه‌های سیاسی مهمی به صورت نامه، عهد، توطیع، خطبه و... از وی برجا مانده است.

● «کارنامه اردشیر بابکان» تنها اثر تاریخی به زبان پهلوی است. این کتاب که چه بسا در اواخر روزگار ساسانی نوشته شده، داستان اردشیر بابکان و چگونگی رسیدن او به پادشاهی است. پاره‌ای از خطابه‌های اردشیر بابکان در برخی از کتابهای ادبی و تاریخی پس از اسلام همچون شاهنامه فردوسی و مروج الذهب مسعودی نقل شده است. مهمترین نامه منسوب به دوران اردشیر، «نامه تنسر» است که با اندرزنامه اردشیر همانندیهایی دارد. اندرزنامه اردشیر که در برخی از منابع اسلامی به صورت عهد اردشیر آورده شده، نه تنها مورد توجه شاهان ساسانی قرار گرفت، بلکه در دوران اسلامی نیز توجه خلفا را به خود جلب کرد. عهد اردشیر از برجسته‌ترین و نخستین اندرزنامه‌های ساسانی بود که به عربی برگردانده شد. حتی پاره‌ای از پژوهشگران، ترجمه عهد اردشیر را پیش از آغاز نهضت ترجمه و در اواخر دوران امویان دانسته‌اند. اندرزهای اردشیر الگویی برای اندیشه سیاسی در دوران اسلامی فراهم آورد.

اسلامی به‌شمار می‌آید. این وصیت شباهت‌هایی با اندرزنامه اردشیر ساسانی دارد. هر دو، با اثرپذیری از باورهای دینی و اوضاع اجتماعی و به‌منظور اصلاح امور سلطنت و مملکت نوشته شده است (امانی چاکلی و منافی، ۱۳۹۴:۱۱۲؛ Leder, 1999:129).

چنین می‌نماید که یک ایرانی ادیب و کارگزار دولتی به‌نام عبدالله ابن مقفع (مرگ ۱۴۰ هجری قمری) در دوران عباسی با ترجمه آثار پیش از اسلام ایران و تألیفات گوناگون، در زمینه اندرزنامه‌نویسی، در ادبیات اسلامی و عربی پیشتاز بوده است (لمبتون، ۱۳۷۴:۱۱۵؛ محمدی ملایری، ۲۵:۱۳۵۲؛ ترابی فارسانی و غندی، 2013:229؛ Darling, 2013:229؛ Sourdél, 1954:319؛ Rosenthal, 1962:71؛ Bosworth, 1983:488؛ Luce, 2010: 1916). ابن مقفع، آثاری به عربی نوشت که بیشتر سیاسی بود (Sourdél, ۱۹۵۴:۳۲۳). نقش او بعنوان مترجم، فعالیت‌های ادبی وی را نه تنها با منابع

این زمینه دفاع کند. ابن‌الدایا سه عهد (وصیت‌نامه) تازه از تمثال جمهوری افلاطون را استخراج کرد. همچنین مترجمان ناشناخته سه وصیت‌نامه از پادشاهان ایران را در دسترس قرار دادند. شماری آثار جدید هم توسط ایرانیانی تصنیف شد که به عربی می‌نوشتند (Crone, 2004:152). بنابراین متون فارسی و عربی اهمیت بالایی در زمینه اندرزنامه و برسرهم فرهنگ در دوران اسلامی یافت. ادبیات نو فارسی نیز از زمان پیدایش در سده‌های دهم و یازدهم، بیانی بازتاب‌گونه از اندرزنامه با میراث ایرانی داشت (فرای، ۱۹۶۰:۵۱-۴۲) که به صورت ترجمه و اقتباس به عربی راه یافت (محمدی، ۱۹۶۴:۱).

گسترش اندرزنامه‌ها پس از اسلام، از اندرز یک فرمانده ایرانی به نام طاهر ذوالیمینین به فرزندش عبدالله (۲۰۷ هـ/۸۲۲ میلادی) آغاز می‌شود. وی، بنیادگذار سلسله طاهریان در خاور ایران است (اللهیاری و دیگران، ۱۳۸۹:۱۶؛ Bosworth, 1983:488, Crone, 2004:152). این نمونه نخست، مانند بیانیه‌ای اسلامی برای درک حکومت‌داری است. نویسنده با اقتدار یک وصیت‌کننده یا پدر سخن می‌گوید. این متن هر چند قدیمی‌ترین پندنامه به زبان عربی برای امیران نیست، ولی با توجه به اسناد در دسترس، نخستین متنی است که کارکردهای حاکمیت را آنگونه که در نوشته‌های عبدالحمیدالکاتب (وزیر مروان بن محمد واپسین خلیفه اموی)، ابن مقفع و نیز وصایای سیاسی قدیمی‌تر مورد بحث بوده، مشخص کرده است. اثر طاهر، تصویری جامع از یک حاکم ایده‌آل به‌دست می‌دهد. وی با به نمایش گذاشتن خودباوری مایه گرفته از اسلام، پیامدهای ناگزیر حاکمیت ایده‌آل اسلامی را مطرح می‌کند: اساس و حق حاکمیت، خواست خداوند است؛ این مسئولیتی است که خالق بر عهده مخلوق برتر گذاشته است؛ وظایف او از سوی خدا تعیین شده و اندازه قدرت حاکم نیز مشخص است. اصل برتر این است که قانون خدا به رسمیت شناخته شود (Leder, 1999:129).

وصایای سیاسی خلیفه دوم عباسی المنصور (دوران حکومت ۷۷۵-۷۵۴ میلادی)، از قدیمی‌ترین وصایای

ابن مقفع کتاب *الادب الکبیر* را در زمینه رفتار پادشاه ایده‌آل و درباریانش نوشت. شاید این اثر همدوره با آثار کارولونژی در اروپا باشد (Darling, 2013: 229). کتاب یک مقدمه و سه بخش دارد. *الادب الکبیر* تا اندازه‌ای با کتاب *الادب الصغیر* که آنهم به وصف شاهزادگان می‌پردازد، ناهمگون است. در بخش *الادب الکبیر*، چهره حاکم، چهره پادشاهی مطلق است که خدا ترس و با کفایت و رهبری خوب و هوشیار است. اما تصویر او در بخش دوم کتاب، خودکامه‌ای مستکبر است که کار کردن با او خطرناک است. در هیچ یک از این دو بخش، توجهی به رفاه و آسایش رعایا نمی‌شود و عدالت نقش جنبی دارد (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۵). به باور ابن مقفع، پادشاه دادگر، سزاوار اطاعت است، ولی ویژگی مهم سلطان، بیشتر علم است تا عدالت. او می‌نویسد: مناسبترین فرد برای زمامداری کسی است که از موهبت دانش برخوردار باشد. از دید او، پادشاهی سه‌گونه است: نخست برپایه مذهب، دوم برپایه قدرت طلبی، سوم بر پایه هوسهای فردی؛ که او نخستین‌گونه را بهترین می‌داند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۶؛ Aigle, 2007: 26).

کتاب *رساله الصحابه*، دربرگیرنده سفارشهای برجسته عملی در زمینه اداره کارهای سیاسی و نظامی به خلیفه عباسی بود (Bosworth, 1983: 488). در این کتاب که برای خلیفه المنصور (دوران حکومت ۷۷۵-۷۵۴) نوشته شده، توفیق یک حکومت، در بازسازی و تقویت قدرت مرکزی و ایجاد «ثبات» در جامعه فرض می‌شود. وی پیشنهاد می‌کند برای کل حاکمیت، قانون‌نامه‌ای متناسب مبتنی بر دین ایجاد شود. این طرح، حتی زمانی که از سوی خلیفه جدی گرفته شد، تحقق نیافت (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۴؛ Aigle, 2007: 26; Leder, 1999: 137). ابن مقفع از سنت ایران پیش از اسلام الهام می‌گیرد و «اعتدال» را لازم می‌داند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۲؛ Aigle, 2007: 26). از دید او، تعلیم قرآن، آموزش سنت، حفظ معیارهای امامت، کمال و پرهیز از افراد مسئولیت‌ناپذیر، از وظایف حکومت است (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۴).

پس از دست یافتن مسلمانان به ایران و روم، لزوم

پهلوی و ساسانی، بلکه از راه کلیله و دمنه با منابع هندی نیز پیوند داد (Dakhliia, 2002: 1192; Bosworth, 1983: 488; Crone 2004: 151, Bosworth, 1970: 25). او «خدای‌نامه (شاهنامه) را که گاهشمار سلطنتی در روزگار ساسانیان بود، ترجمه کرد و به آن عنوان «سیرالملوک العجم» داد. ترجمه اندرزه‌های اردشیر، نامه تنسر و کارنامه اردشیر بابکان که سرشار از اندرزه‌های سیاسی است، از دیگر آثار اوست (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۱؛ همایی، ۲۰۳: ۱۳۶۶؛ بیات ۱۳۷۷: ۶۳، ریپیکا، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ Bosworth, 1983: 488; Darling, 2013: 229). ابن مقفع با نوشتن «رساله فی الصحابه»، «الادب الکبیر» و «الادب الصغیر» نقشی برجسته در بهره‌برداری از دستاوردهای فرهنگی ایران باستان (Bosworth, 1983: 488) و تکامل نظریه‌های اسلامی دولت بازی کرد (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۱). تدوین مقررات و ضوابطی منسجم برای تعیین مرز اختیارات و اقتدار خلیفه، برای برخی از کسانی که با مسایل مذهب و حکومت درگیر بودند، از نیازهای مهمی بود که ابن مقفع آنرا برآورده ساخت (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۰). ترجمه عربی کتاب *کلیله و دمنه*، جایگاه این اثر را در ادبیات جهان تثبیت کرد (Dakhliia, 2002: 1192) و نقطه آغاز اندرزنانه‌نویسی در ادبیات عربی شد. به نظر می‌رسد که ترجمه این آثار از فارسی میانه به عربی، پس از آن مبنای ترجمه از عربی به فارسی نو شده باشد (Bosworth, 1983: 491).

● خسرو انوشیروان در آثار بعدی اسلامی ملقب به دادگر است. در زمان او، زمینه نهضت علمی و ایرانی آماده گشت. انوشیروان از آموزش و اندرزه‌های وزیر خود، بزرگمهر، بهره می‌جست. بزرگمهر به او فهماند که قدرت انسان در دانش اوست و دانش منشاء حکمت است. اندرزنانه‌های فراوانی در پیوند با خسرو انوشیروان برجا مانده که چه بسا نقطه تازگی و دگرگونی در تاریخ ساسانی است. یکی از آنها، پندنامه منسوب به انوشیروان است.

● **خدای نامه (شاهنامه = کتاب پادشاهان) متعلق به سه تن از نویسندگان فارسی میانه (دانشور، فرخان مغ و رامین) در دوران فرمانروایی واپسین پادشاه ساسانی، یزدگرد سوم است. کتاب، تاریخ ایران را از زمانهای افسانه‌ای تا مرگ خسرو پرویز در ۶۲۸ میلادی پوشش می‌دهد. خدای نامه سرچشمه اندرزننامه‌های باستانی به‌شمار می‌آید. عبدالله ابن مقفع در سده دوم هجری آنرا به عربی ترجمه کرد و در ۳۴۶ هجری، چند تن از زرتشتیان آنرا برای حاکم توس، ابومنصور محمدبن عبدالرزاق به فارسی برگرداندند. مأخذ مهم فردوسی و دقیقی همین کتاب بوده که مفقود گشته است.**

بن هارون، بلاذری، ریحانی و عمر بن فرخان بوده‌اند (فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۴۴). اصل پهلوی هیچ یک از این آثار برجای نمانده و اکنون ترجمه عربی و گاه فارسی آنها را در دست داریم (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۱۴؛ بیات، ۱۳۷۷: ۶۳).

مسعودی در سال ۳۰۳ هـ ق در استخر فارس، در دست یک خانواده قدیمی، کتابی درباره تاریخ و بناهای پادشاهان ایران دید؛ کتابی با نقاشی چهره‌های پادشاهان ساسانی، دربرگیرنده اطلاعاتی که در دیگر کتابهای فارسی همچون **خدای نامه** و **آیین نامه** نبود. این کتاب، نسخه عربی از یک کتاب اصلی فارسی در خزانه پادشاهی ایران (در تیسفون یا در خود فارس) بود که به دستور هاشم بن عبدالملک، خلیفه اموی ترجمه شده بود. اگر روایت درست باشد، نشانه‌ی علاقه عربان به افسانه‌های فارسی و گذشته تاریخی ایران پیش از ابن مقفع است. پیامد این علاقه عمومی به ایران باستان، در بخش گسترده‌ای از تاریخ و گاهشماری جهانی از سده نهم به بعد و حتی علاقه به افسانه‌های پیشدادی و کیانی دیده می‌شود (Bosworth, 1983:489).

کتاب «**تاج‌نامه**» بیشتر درباره زندگی خسروانوشیروان است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۴۸؛ همایی، ۱۳۶۶: ۲۰۴؛ Bosworth, 1983:488). نویسنده کتاب معلوم نیست و نگارش آنرا به اشتباه به جاحظ نسبت داده‌اند (Crone, 2004:152) این کتاب، دربرگیرنده

تدبیر زندگی سیاسی و اداری احساس شد. بنابراین از اواخر دوران اموی این تدابیر از راه ترجمه آثار و بویژه اندرزننامه‌های سیاسی و به کار گرفتن نیروهای بومی مورد استفاده قرار گرفت. پیشینه ایرانی اندرزننامه‌ها و تجربه‌گرایی مثبت مسلمانان انکارناشدنی است (قادری، ۱۳۹۱: ۲۷۱؛ فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۱۹؛ فیرحی، ۱۳۸۸: ۲۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۶؛ ریپیکا، ۱۳۸۳: ۱۱۲؛ رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۴۴۶؛ لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۰۹؛ تانل خانلری، ۱۳۶۵: ۳۰۷؛ اللهیاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶؛ یوسفی‌راد، ۱۳۸۳: ۱۲۵؛ 152; Crone, 2004; Bosworth, 1970:25) این روند با روی کار آمدن عباسیان و با حضور برمکیان به اوج رسید (فیرحی، ۱۳۸۸: ۲۷۱) و چه بسیار آثار ایرانی که نوشته شد (Crone, 2004:151).

از سوی دیگر، با افت قدرت زرتشتیان در ایران، برخی کسان تلاش برای ثبت و ضبط ادبیات مقدس زرتشتی را، پیش از آنکه یکسره نابود شود، بویژه به زبان فارسی میانه و با خط پهلوی آغاز کردند. برای ایرانیان مشارکت مستقیم در برگرداندن متون از زبان فارسی به عربی، در دوران عباسی اهمیت بسیار یافت (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ رجایی، ۱۳۷۲: ۱۷؛ Bosworth, 1983:487). بنابراین کمتر کتاب عربی تألیف شده در نخستین سده‌های دوران اسلامی را می‌یابیم که در آن از منابع ایرانی نقل نشده باشد (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۰۲)؛ برای نمونه، **آثاری چون تاریخ یعقوبی، المعارف ابن‌قطیبه، الاخبار الطوال دینوری، سنی الملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی، تاریخ‌الرسل و الملوک طبری، مروج‌الذهب مسعودی و آثارالباقیه بیرونی** که ریشه اطلاعاتشان از ابن‌مقفع است. اما به ظاهر، در دیگر بخشها از منابع دیگر و شاید هم از منابع شفاهی بهره گرفته شده است (Bosworth, 1983:489). گنجانده شدن این مواد و اطلاعات در نوشته‌های اسلامی، کمکی چشمگیر به روشن ساختن برخی از جنبه‌های تاریخ ملی ایرانیان کرده است. برخی آثار در این زمینه برجسته است: **التاج جاحظ، مفتاح‌العلوم خوارزمی** و... (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۱۴؛ yarshater, 2006:364). مترجمان اندرزننامه‌های پهلوی به عربی، برپایه فهرست ابن‌ندیم، ابن مقفع، ابان لاحقی، ابوسهل فضل بن نوبخت، سهل

به روایات و احادیث تکیه دارد. هدف ابویوسف نشان دادن مسئولیت حاکم، اعتراض به شیوه‌های مرسوم، نشان دادن وظایف رعایا در برابر امام و... است (لمبتون، ۱۳۷۴:۱۱۷). به هر روی، ابویوسف با آنکه بسیاری از اصول حکومت ساسانی را در کتاب خود آورده، اما به نظام ساسانی اعتراض دارد و بر نقش خلیفه که نماینده خدا دانسته می‌شده تأکید می‌کند.

اندرزنامه‌های فارسی، از آغاز اسلام تا روزگار سلجوقیان

پس از رسیدن اسلام به ایران، بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی در آثار خود به اندرز پرداخته و در این زمینه میراثی ارزشمند از خود به یادگار نهاده‌اند (Dakhli, 2002: 1192). در این میان نقش وزیران و منشیانی چون برمکیان، خاندان سهل، ابوعبدالله جیهانی، ابوالفضل بلعمی، ابوالفضل بیهقی، ابوالعباس اسفراینی، احمدبن حسن میمندی و... چشمگیر است. در سروده‌های پیشگامان شعر فارسی در سده سوم، کم‌وبیش نشانه‌هایی از ادب تعلیمی دیده می‌شود. با پا گرفتن واقعی شعر فارسی (سده چهارم)، آموزشهای اخلاقی و توجه به آموزه‌های حکمی، اندرز، سفارش به پرهیزگاری و... در سروده‌های نامدار این دوران همچون رودکی، کسایی، شهید بلخی و نیز آثاری چون آفرین‌نامه ابوشکور بلخی و شاهنامه فردوسی دیده می‌شود (روزبهبانی و امیر حیدری، ۱۳۹۳: ۱۴۹) و می‌توان گفت در دیوان کمتر شاعری است که مضامین اندرزی و اخلاقی یافت نشود، زیرا اندرز از برجسته‌ترین درونمایه‌های ادب فارسی است و ایرانیان همواره در این زمینه پیشگام و سرمشق بوده‌اند.

کسانی چون فوشه‌کور (۱۳۷۷: ۶۰)، آیکل (Aigle, 2007: 24)، مسکوب (۱۳۷۷: ۵۸۴)، خوئینی و رحمتیان (۱۳۹۴: ۱۱۵)، میرباقری فرد و دیگران (ج ۱، ۱۳۸۱: ۲۲۸)، شاهنامه فردوسی را در شمار اندرزنامه‌ها آورده‌اند. باید گفت که شاهنامه نه تنها خود یک اندرزنامه، که یکی از مهمترین منابع اندرزنامه‌های ایرانی است. فردوسی در شاهنامه، هم خود و هم

چند رساله درباره سندهای پادشاهی، آیین‌نامه‌ها و فرمانهاست (ریبیکا، ۱۳۸۳: ۱۱۲). در این کتاب، ویژگیهایی چند برای حاکم بیان شده و او با نیروی تفویض شده از سوی خداوند فرمان می‌راند. عدالت پادشاه بر این پایه است که در جامعه به هر کس وضعی همچون وضع خود بدهد (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۲۷؛ Aigle, 2007: 26). تاج‌نامه در دوران اسلامی مورد توجه ادیبان قرار گرفت و کتابهایی با این نام به عربی تألیف شد که مهمترین آنها کتاب «التاج فی الاخلاق الملوک» منسوب به جاحظ است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۵۰؛ Bosworth, 1983: 489). بخش بزرگی از کتاب التاج دربرگیرنده قوانین و نظاماتی است که در زمان خلفای عباسی وجود داشته است (بیات، ۱۳۷۷: ۱۴۷). در سده نهم میلادی، التاج و دیگر آثار ایرانی بر همه کسانی که در رده‌های گوناگون در بخشهای مرکزی و شرقی جهان اسلام به آنها دسترسی داشتند اثر گذاشت (Bosworth, 1983: 489).

گذشته از جاحظ، ابویوسف (۱۱۳-۱۸۲ هـ.ق) کتاب «الخراج» را برای راهنمایی هارون الرشید نوشت و به او هدیه کرد. ابویوسف مانند ابن مقفع تجربه حکومتی و اجرایی داشت، اما بعنوان قاضی خدمت کرده بود. او در ۱۶۶ هـ.ق قاضی بغداد شد و چندی پس از آن، بعنوان سرپرست دستگاه قضایی کشور، نخستین کسی بود که لقب قاضی القضاة گرفت. او از شاگردان ابوحنیفه بود. الخراج راهنمای اجرایی و اداری است و تا آنجا که از اوضاع تاریخی معینی سخن می‌گوید و راهکارهای خاصی پیشنهاد می‌کند، به کتاب «رساله الصحابه» ابن مقفع شباهت دارد (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۱۶). الخراج کتاب اندرزی به عربی است که

● در سراسر سده نخست و بخشی از سده دوم، تنها محور علوم مسلمانان، قرآن بود. بدین سان، ورود اسلام به اندرزنگاری را باید رویدادی اساسی دانست. نویسندگان پندنامه‌های اخلاقی این امکان را داشتند که سخنان حکمای قدیمی ایرانی را با اوضاع روزگار خود تطبیق دهند.

● شیوه نگارش اندرزی، خیلی زود با سنت ایرانی گسترش یافت. مترجمان ناشناخته سه وصیت‌نامه از پادشاهان ایران را در دسترس قرار دادند. شماری آثار جدید هم توسط ایرانیان تصنیف شد که به عربی می‌نوشتند. بنابراین متون فارسی و عربی اهمیت بالایی در زمینه اندرزنانه و برسرهم فرهنگ در دوران اسلامی یافت. ادبیات نو فارسی نیز از زمان پیدایش در سده‌های دهم و یازدهم، بیانی بازتاب‌گونه از اندرزنانه با میراث ایرانی داشت که به‌صورت ترجمه و اقتباس به عربی راه یافت. گسترش اندرزنانه‌ها پس از اسلام، از اندرز یک فرمانده ایرانی به نام طاهر ذوالیمینین به فرزندش عبدالله آغاز می‌شود.

پیوسته در ادبیات اندرزی و سنت اسلامی رخ نمود و با سنت ایرانی حق الهی حکومت پیوند یافت (Arjomand, 2013: 90). مفهوم خلیفه - امام در مقام رهبر روحانی و معنوی و مفهوم سلطان بعنوان رهبر دنیوی و اجرایی برای بسیاری از مسلمانان مطرح شد (بازورث و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۱) ماوردی در بغداد از سنت سیاسی خلافت دفاع کرد، اما این سخن، دیگر از سوی ایرانیان و ترکان سلجوقی پذیرفتنی نبود. غزالی شیوه‌ای معتدلتر در پیش گرفت و همچنان بر سنت سیاسی خلافت در برابر سلطنت تأکید کرد. اما خواجه از سوی حکومت سلجوقی و طغرل مأموریت یافت این تداخل را به‌صورت سیاست‌نامه تبیین کند. از دید او، سلطان منتخب مستقیم خداوند بود، قدرت مطلقه داشت و عدالت را در حکومت دنیوی برقرار می‌کرد. سی سال وزارت در دوران سه پادشاه سلجوقی، گواه پذیرش خواجه نظام‌الملک طوسی است.

سلجوقیان از هواداران بزرگ ادبیات فارسی و تا اندازه‌ای ادبیات عرب بودند. بزرگترین استادان شعر ستایشی در این دوران، بی‌گمان جبهه‌ای بی‌باک پدید آوردند و باورهای فلسفی، هشدارها و اندرزا را در سروده‌هایشان گنجانده (ریبیکا، ۱۳۸۳: ۳۴۳). سده پنجم، سده شکوفایی ادبیات اخلاقی ایران است (فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۴۳). شعر و نثر فارسی در

از زبان شخصیت‌های اصلی که برپایه منابعی چون خدای‌نامه به نظم کشیده شده است، به پند و اندرز دادن برای رسیدن به زندگی خوب پرداخته است. در واقع، فردوسی به شیوه خود، مجموعه‌های معروف اندرزنانه‌های سیاسی را آورده است (فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۲۱): اندرزهای انوشیروان، بزرگمهر، اردشیر، ارسطو... از آن جمله است.

اندرزنانه‌های سیاسی از آغاز دوران سلجوقی تا فرو افتادن عباسیان

تأثیر سلجوقیان در تاریخ ادبی ایران، از سلسله‌های پیشین بیشتر بوده است (بیات، ۱۳۷۷: ۸۶). در سده‌های چهارم و پنجم هـ.ق، این قوم ترک‌نژاد بر بخش بزرگی از سرزمینهای اسلامی چیره شدند و ایرانیان در حکومت سلجوقیان نقش دیوانسالار یافتند. اندرز دادن به پادشاهان، در سنجش با گذشته، افزایش چشمگیر یافت، شاید به این دلیل که اندرز دادن، شیوه‌ای کارساز برای رسیدن به محافل و دوایر قدرت بود (ترابی‌فارسانی و غندی، ۱۳۹۴: ۹۱؛ Black, 2011: 113). در این سده‌ها، سبک اندرزنانه‌های مستقلی مانند قابوس‌نامه، سیاست‌نامه و نصیحت‌الملوک پدید آمد. به‌نظر می‌رسد هنگامی که پایه‌های خلافت به لرزه افتاد، نیاز به بازگویی آرمانهای کهن دولت احساس شد. مفهوم ایرانی پادشاه خیرخواه (نیک‌اندیش)، با باور به خداوند و همخوانی با قرآن و سنت بازپروری شد (Bosworth, 1970: 26).

استقرار امپراتوری سلجوقی، از دیدگاه فرهنگی، زبان عربی را از صحنه راند و فارسی، زبان دیوانی و فرهنگی ایران بویژه پس از تازش مغول شد (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۳۱۳؛ بازورث و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۲). در این دوران، مفاهیم سیاسی وضع شده دوگانگی مادی و معنوی یافت (پیامبر و پادشاه، خلیفه و سلطان). بنابراین نقش سیاسی سلجوقیان بسیار مهم بود. آنان عنوان سلطان را ساختند که تا پایان سده دوازدهم میلادی به گستردگی برای حاکمان محلی مستقل به کار گرفته می‌شد. این قاعده از سده یازدهم

اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۹۴)، ناصر خسرو، ظهیری سمرقندی، سنایی، لامعی گرگانی، ازرقی هروی (شاعر منظومه *سندبادنامه*)، نظامی عروضی، معزی نیشابوری، انوری، رشیدالدین وطواط، اسدی توسی (وفات ۴۶۵ هجری در منظومه *گرشاسب‌نامه*) سوزنی سمرقندی و... هستند. اما اندرزنانه‌های سیاسی برجسته در آن دوران به شرح زیر است:

قابوس‌نامه را بیشتر بعنوان نخستین پندنامه اخلاق حکومتی به زبان فارسی می‌شناسند. **قابوس‌نامه** یک مرجع و منبع الهام مهم در ادبیات اخلاقی ایران است (Aigle, 2007: 27). نویسنده کتاب، عنصرالمعالی کی‌کاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر (۴۹۲-۴۱۲ ه.ق)، از شاهزادگان زیاری است. امیران زیاری در سده‌های چهارم و پنجم در بخشهایی از شمال ایران حکومت می‌کردند. دوران حکومت عنصرالمعالی کوتاه بود و چنین پیداست که امرای سلجوقی ملک آنان را تصرف کرده‌اند. وی **قابوس‌نامه** را به نام گیلانشاه، پسرش، در ۴۴ باب نوشت تا تجربیاتش را به او منتقل کند. سال تألیف کتاب، ۴۷۵ ه.ق است. موضوع کتاب حکمت عملی و مشتمل بر تدبیر منزل و سیاست مدن است. **قابوس‌نامه** از حیث شناسایی تمدن قدیم و علم زندگی و دستور زندگی سودمند و دربرگیرنده اطلاعاتی درباره تمدن پیش از تازش مغول است (میرباقری فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۸). سخنان و اندیشه‌های کاووس تا اندازه‌ای به اندرزه‌های منسوب به ابوتمام طایی (۲۳۱-۱۸۸ ه.ق) و *بُحُتری* (۲۸۶-۲۰۶ ه.ق) از شعرای بزرگ عرب شباهت دارد (همان: ۱۳۸۱: ۲۴۷). وی خودکامه‌ای سنگدل و بیرحم و از شعوبیان بود که به سنتهای باستانی بومی وابسته بود (ریپیکا، ۱۳۸۸: ۴۰۵). **قابوس‌نامه** سه بار به زبان ترکی ترجمه شده که یکی از ترجمه‌ها توسط احمدبن الیاس به فرمان سلطان مراد دوم پادشاه عثمانی و ترجمه سوم برای حسن پاشا والی بغداد انجام گرفته است. در ۱۸۸۶ میلادی هم آ. کری، خاورشناس فرانسوی، کتاب را به فرانسه ترجمه کرد. **قابوس‌نامه** تاکنون هفت بار در ایران و هند چاپ شده است (بیات، ۱۳۷۷: ۱۹۲).

سیرالملوک (سیاست‌نامه) اثر خواجه نظام‌الملک

دوران سلجوقی روزگاری پر فروغ به خود دید و ادبیات اخلاقی - اندرزی بویژه اندرزنانه‌های سیاسی رونق گرفت به گونه‌ای که می‌توان گفت سنت اندرزنانه‌نویسی در آن دوران به اوج رسید. ادبیات اخلاقی در آن دوران در هر دو بخش شعر و نثر بوده است، هرچند اندرزنانه‌نویسی به نثر قابل قیاس با شعر اندرزی در آن دوران نمی‌تواند باشد.

کتابهایی چون **سندبادنامه** (هفت وزیر)، **بختیارنامه** (کتاب ده وزیر)، **طوطی‌نامه** و... روزگاری مردم‌پسندترین مجموعه‌های داستانی با درونمایه اخلاقی بوده و نشانه‌های فراوانی از خاستگاه هندی و ساسانی - ایرانی آنها به دست است (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۴۰۹). اما منصور حلاج، اندرزگوی پرشور و گرم روی آن دوران بوده (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۴۱۶) که ایده‌های سیاسی نیز داشته است. ابوسعید ابوالخیر، عین‌القضات همدانی، خواجه عبدالله انصاری، ابوالقاسم قشیری نیز در زمره اندرزنانه‌نویسان برجسته اخلاقی آن دوران بوده‌اند. شاعران در روزگار سلجوقی که در آثارشان پند و اندرز و ارزشهای اخلاقی به چشم می‌خورد، نظامی گنجوی (اسکندرنامه بهترین اثر وی در زمینه خلق جامعه و حاکم آرمانی است) (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۳۸۸؛

● چنین می‌نماید که یک ایرانی ادیب و کارگزار دولتی به نام عبدالله ابن مقفع در دوران عباسی با ترجمه آثار پیش از اسلام ایران و تألیفات گوناگون، در زمینه اندرزنانه‌نویسی، در ادبیات اسلامی و عربی پیشتاز بوده است. ابن‌مقفع، آثاری به عربی نوشت که بیشتر سیاسی بود. نقش او بعنوان مترجم، فعالیتهای ادبی وی را نه تنها با منابع پهلوی و ساسانی، بلکه از راه کلیله و دمنه با منابع هندی نیز پیوند داد. او خدای‌نامه (شاهنامه) را که گاهشمار سلطنتی در روزگار ساسانیان بود، ترجمه کرد و به آن عنوان «سیرالملوک العجم» داد. ترجمه اندرزه‌های اردشیر، نامه تنسر و کارنامه اردشیر بابکان که سرشار از اندرزه‌های سیاسی است، از دیگر آثار اوست.

• ابن مقفع با نوشتن «رساله فی الصحابه»، «الادب الكبير» و «الادب الصغير» نقشی برجسته در بهره‌برداری از دستاوردهای فرهنگی ایران باستان و تکامل نظریه‌های اسلامی دولت بازی کرد. ترجمه عربی کتاب کلیده‌ودمنه، جایگاه این اثر را در ادبیات جهان تثبیت کرد و نقطه آغاز اندرزنامه‌نویسی در ادبیات عربی شد. به نظر می‌رسد که ترجمه این آثار از فارسی میانه به عربی، پس از آن مبنای ترجمه از عربی به فارسی نو شده باشد.

اصلی خواجه بر تجربه‌گرایی است، خواه این تجربه در نزد پادشاهان ایران باشد، خواه امیران اسلامی، خواه بنی‌اسرائیل و خواه سلاطین ترک غزنوی.

ابوحامد محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰ هـ) مشهور به امام محمد غزالی، نویسنده یکی از مشهورترین اندرزنامه‌های سیاسی به نام «نصیحت‌الملوک» (تألیف در حدود ۵۰۳ هجری) است (Darling, 2013:235). کتاب گویا به محمدبن ملک‌شاه یا سلطان سنجر سلجوقی اهدا شده است. غزالی از پرکارترین نویسندگان در دوران سلجوقی بوده و بیشترین آثارش به زبان عربی است. اما سه اثر «کیمیای سعادت»، «نصیحت‌الملوک» و نامه‌های او به فارسی است (میرباقری فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۴). غزالی یک عالم الهیات برجسته، حقوق‌دان و صوفی بود که قلمرو اندیشه‌هایش از ایران فراتر می‌رفت. او اهل خراسان بود و به درخواست نظام‌الملک در مقام استاد به نظامیه بغداد رفت (Aigle, 2007:32). غزالی بزرگترین کلام‌شناس مسلمان و در همان حال اصلاحگر مذهب سنت (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۴۱۰) و از بانفوذترین علما و دین‌شناسان در قرون وسطی بود. وی در «نصیحت‌الملوک» شرح دقیقی از وظایف حاکمان، وزیران و دیوانسالاران، از دیدگاه اسلامی در قالب تمثیل و داستان به دست می‌دهد. از دید غزالی، حاکم بیش از آنکه در برابر مردمان مسئول باشد، باید در برابر خداوند پاسخگو باشد (Leder, 1999:133). غزالی شالوده نظری رابطه میان خلافت و سلطنت

طوسی (۴۸۵-۴۰۸ هـ)، بهترین الگوی اندرزنامه‌نویسی سیاسی در نظر گرفته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۹؛ قادری، ۱۳۹۱: ۱۲۵؛ Darling, 2013:235; Simidchieva, 2004:97; Aigle, 2007:28 و منبع اصلی برای بررسی سازمان سیاسی دولتهای مسلمان در خاور زمین است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۸۰) که در ۴۷۹ هـ به دستور ملک‌شاه سلجوقی (۸۵-۶۵ هـ) / ۹۲-۱۰۷۳ م) برای شناخت الگوی خوب کشورداری نوشته شده است. خواجه نظام‌الملک، از ۴۵۵ هـ، ۲۹ سال وزیر بلندپایه سلجوقیان بود. سیاست‌نامه نه تنها از دید ادبی و تاریخی، که از دیدگاه سیاسی، اندیشه‌ای و آیین کشورداری، از برجسته‌ترین اندرزنامه‌های ایرانی - اسلامی است. کتاب ۵۰ فصل دارد و در هر فصل به موضوعی ویژه پرداخته شده است. اثر نظام‌الملک طوسی، تمرکز ویژه بر اندرز درباره حکومت، جزئیات سطوح گوناگون آن و چگونگی کنار آمدن با جریانهای سیاسی و مسایل اجتماعی دارد (Darling, 2013:234). هیوبرت دارک در دیباچه‌ای بر آن نوشته است: «این کتاب هم پند است و هم حکمت و هم مثل و هم تفسیر قرآن و هم اخبار پیغامبر علیه‌السلام و هم قصص انبیا و هم سیر اولیا و هم حکایات پادشاهان عادل» (طوسی، ۱۳۸۹: ۲۱). اندیشه‌های خواجه گذشته از اینکه در سیاست‌نامه، برآمده از تجربه‌های عملی خود او در زمینه سیاست و نیز برخی از اصول سیاست و حکومت اسلامی است (حلبی، ۱۳۷۲: ۶۹؛ سیاست‌نامه، ۱۳۸۹: ۲۲)، آشکارا رنگ ایرانی دارد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۹۴) و می‌توان نشانه‌هایی زیادی از الگوهای کهن کشورداری ایرانی (بویژه آنچه در نامه تنسر، اندرزنامه اردشیر بابکان و شاهنامه فردوسی آمده است) در آن یافت؛ هرچند هیوبرت دارک مصحح سیاست‌نامه (طوسی، ۱۳۸۹: ۲۲) و فیرحی (۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۸)، به تأثیر اندیشه‌های ایران باستان در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک اعتقاد ندارند. خواجه درباره ریز و درشت کارهای کشور نظر دارد. او وظایف حاکم، محتسب، قاضی، خطیب و... را یک به یک برمی‌شمارد و جامعه آرمانی و کشور اسلامی را با نگاهی به دین، تاریخ و ایران می‌جوید. دیدگاه

و همکاری میان خلیفه و سلطان را در نوشته‌های خود اعلام داشت (بازورث و دیگران، ۱۳۹۰:۱۲۱). وی بیشتر با وظایف عملی و کاربردی حاکم سروکار داشت تا طرح یک نظریه بنیادی درباره حکومت (لمبتون، ۲۰۱۷:۱۳۷۴؛ Darling, 2013). شارل هانری دو فوشه کور در کتاب اخلاقیات، به گستردگی به «نصیحت‌الملوک» پرداخته است. تا سده دوازده میلادی پندنامه‌های اخلاقی ایرانی، غیر از نصیحت‌الملوک غزالی، در پوشش اسلام، به سنت ساسانی حکومت وفادار ماندند (Aigle, 2007: 34).

مرزبان‌نامه تقلیدی از کلیله و دمنه است که اسپهبد مرزبان پسر رستم پسر شهریار پسر شروین در پایان سده دهم و آغاز سده یازدهم میلادی آنرا به گویش طبری نوشته است. دو ترجمه از این کتاب به زبان فارسی در دست است: نخست «روضه‌العقول» که در پایان سده ششم هـ.ق به خامه وزیر سلجوقیان محمد پسر غازی ملطیوی دبیر و وزیر سلیمان‌شاه از ملوک سلجوقی آسیای صغیر و دوم مرزبان‌نامه است که به خامه سعدالدین وراوینی آذربادگانی به تاریخ ۶۲۲-۶۰۷/۲۵-۱۲۱۰م نگاشته شده است (ریپیکا،

۱۳۸۳:۴۰۸؛ میرباقری‌فرد و دیگران ۱۳۸۹:۸۲). این کتاب هم در شمار اندرنامه‌های سیاسی است. ابن مسکویه (معلم سوم) شهرتش بیشتر به سبب تألیف کتاب با ارزش و مهم «تجارب‌الامم» است. این کتاب از مهمترین اسناد تاریخی و از کهن‌ترین آثاری است که در آن به فلسفه تاریخ توجه و علل پیروزیها و شکستها بررسی شده است. ابن مسکویه در این کتاب اوضاع سده‌های چهارم و پنجم را به خوبی تجزیه و تحلیل کرده است. وی در اندیشه فلسفی از ارسطو و افلاطون متأثر بود و در حوزه اسلام به فیلسوفانی چون کندی، ابوعثمان دمشقی و ابوالحسن عامری نظر داشت. از ابن مسکویه آثار زیادی برجا مانده که پس از تجارب‌الامم، کتاب «تهذیب الاخلاق» او اهمیت بسیار دارد. خواجه نصیرالدین طوسی بر پایه این کتاب، اثر معروف خود «اخلاق ناصری» را تألیف کرد (میرباقری‌فرد و دیگران ۱۳۸۱:۲۵۷).

دو رساله مهم پرتونامه و الواح عمادی اثر سهروردی دارای وجوه سیاسی فلسفه اشراقی است. سهروردی اندیشمندی آرمانگرا بود که حکومت حکیمی متألّه را تنها نظام سیاسی آرمانی می‌دانست. از همین رو، وی با همنشینی با حاکمان و تدوین رساله‌های سیاسی برای ایشان، آنان را با الگوی حکومت‌داری آشنا می‌کرد (بستانی، ۱۳۹۴:۲۱؛ ضیائی، ۱۳۷۸:۱۱۲). بیشتر آثار فلسفی بویژه پس از سده چهارم، فاقد اشارات صریح سیاسی است که علت، اوضاع خاص سیاسی در آن زمان است (ضیائی، ۱۳۷۸:۱۱۴). فعالیتهای اسماعیلیان و جدال آنان با سلطنت سلجوقی و خلافت بغداد و درگیر شدن مسلمانان در جنگهای صلیبی، فضایی پرتنش پدید آورده بود (بستانی، ۱۳۹۴:۲۲). به هر روی اندرنامه‌نویسی شیخ اشراق، برخلاف بسیاری از اندرنامه‌نویسان ایرانی، همچنان در چارچوب اندیشه سیاسی آرمانی او باقی می‌ماند و می‌توان آنها را آمیزه‌ای از سنت کهن اندرنامه‌نویسی برای شاهان و فلسفه سیاسی اشراقی دانست. الگوی سهروردی بیش از آنکه با اندرنامه‌های کلاسیک ایرانی همخوان باشد، با کوشش افلاطون برای راهنمایی برخی از فرمانروایان و آموزش فلسفه به آنان درخور سنجش

● با افت قدرت زرتشتیان در ایران، برخی کسان تلاش برای ثبت و ضبط ادبیات مقدس زرتشتی را، پیش از آنکه یکسره نابود شود، بویژه به زبان فارسی میانه و با خط پهلوی آغاز کردند. برای ایرانیان مشارکت مستقیم در برگرداندن متون از زبان فارسی به عربی، در دوران عباسی اهمیت بسیار یافت. بنابراین کمتر کتاب عربی تألیف شده در نخستین سده‌های دوران اسلامی را می‌یابیم که در آن از منابع ایرانی نقل نشده باشد؛ برای نمونه، آثاری چون تاریخ یعقوبی، المعارف ابن‌قطیبه، الاخبار الطوال دینوری، سنی‌الملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی، تاریخ‌الرسل و الملوک طبری، مروج‌الذهب مسعودی و آثارالباقیه بیرونی که ریشه اطلاعاتشان از این مقفّع است.

● مسعودی در سال ۳۰۳ هـ ق در استخر فارس، در دست یک خانواده قدیمی، کتابی درباره تاریخ و بناهای پادشاهان ایران دید؛ کتابی با نقاشی چهره‌های پادشاهان ساسانی، دربرگیرنده اطلاعاتی که در دیگر کتابهای فارسی همچون خدای‌نامه و آیین‌نامه نبود. این کتاب، نسخه عربی از یک کتاب اصلی فارسی در خزانه پادشاهی ایران (در تیسفون یا در خود فارس) بود که به دستور خلیفه اموی ترجمه شده بود. اگر روایت درست باشد، نشانه علاقه عربان به افسانه‌های فارسی و گذشته تاریخی ایران پیش از ابن‌مقفع است. پیامد این علاقه عمومی به ایران باستان، در بخش گسترده‌ای از تاریخ و گاهشماری جهانی از سده نهم به بعد و حتی علاقه به افسانه‌های پیشدادی و کیانی دیده می‌شود.

المردی (۱۰۹۶ میلادی) کتاب «الاشارات» را نوشت. کتاب درباره خیزش حکومت المرابید در شمال آفریقا است و سراسر آن برپایه سنتهای حکمت سیاسی، اصول اخلاقی و فلسفه است. نمونه دیگر، قاضی مسلمان اسپانیایی طرطوسی (۱۱۲۶-۱۰۵۹ میلادی) است. وی در ۱۱۲۲ میلادی رساله مفصلی به نام «سراج‌الملوک» درباره اصول حکومت نوشت. کتاب او نشانه‌هایی از گرایش نویسنده به مسایل فقه اسلامی دارد (Leder, 2015: 97-98). سراج‌الملوک، دربرگیرنده تئوریهای حکومت و ویژگیهای حاکم موفق است. در این اثر، پادشاه آرمانی در پرتو آمیزه‌ای از سنت اسلامی و سنتهای باستانی ایران توصیف می‌شود. اندرزنامه طرطوسی بیشتر به نصیحت‌الملوک غزالی نزدیک است. آثار غزالی در اسپانیا شناخته شده بود. نقد فلسفی او شامل تهافت الفلاسفه (تناقض‌گویی فیلسوفان) در سال ۱۱۸۰ میلادی در اسپانیا با تهافت التهافت ابن‌رشد رد شد. طرطوسی تکذیبیه‌ای هم بر احیاء‌العلوم‌الدین غزالی نوشت (Darling, 2013: 232-233).

نمونه دیگر، الوزيرالمغربی (متوفی در ۱۰۲۷ میلادی / ۴۱۸ هجری) از خانواده وزیران ایرانی تبار

است. کوشش سهروردی نیز همانند افلاطون، بیهوده بود، زیرا در الگوی اشراقی، واقعیت سیاسی و آرایش نیروهای موجود نقشی ندارد (Ziai, 1992: 336).

الموردی (متوفی ۴۵۰ هـ ق در بغداد) برای جلال‌الدوله (دوران حکومت ۱۰۴۴-۱۰۲۷) از امیران آل‌بویه اندرزنامه‌ای نوشت که شامل اخلاق و آموزه‌های سیاسی در نظامی منطقی بود (Leder, 1999: 132). ماوردی شافعی بود و در چند شهر منصب قضاوت یافت. او همچنین در نقش مشاور القادر بالله (۴۲۲-۳۸۱ هـ ق) و القائم بالله (۶۷-۴۲۲ هـ ق) خلفای عباسی ظاهر شد. کتاب «الاحکام‌السلطانیة» ماوردی، سندی کلیدی در زمینه تئوری حکومت است که مورد پذیرش فقهای سده پنجم به بعد بود ولی نظریه‌پردازان بعدی پیشرفت چندانی نسبت به آن نداشتند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۵۹). در احکام‌السلطانیة، مشروعیت از تبعیت کامل، یعنی تقدیس قدرت حاکمیت از راه رعایت اصول مذهبی ناشی می‌شود. این مسئله در نمونه‌های بعدی اندرزنامه‌ها معمول نیست. با کاهش قدرت خلفا در سده دهم میلادی و با سربرآوردن حکومت‌های محلی که به ظاهر زیر نظر دستگاه خلافت اداره می‌شدند و در واقع قدرتهای مستقلی بودند، در اندرزنامه‌ها سنت دیگری برای مشروعیت‌بخشی به حکومت پدید آمد. ماوردی نویسنده آثاری بنیادی در زمینه تئوری خلافت با در نظر گرفتن واقعیت‌های سیاسی است (Leder, 1999: 131). هدف ماوردی، تحکیم جایگاه امام در برابر فرسودگی و ربایش قدرت بود. اختلاف نظر اصلی میان خلیفه و آل‌بویه آن بود که آنان برای خلیفه در زمینه کشورداری چندان نقشی قایل نبودند و در این زمینه صلاحیت او را نمی‌پذیرفتند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۶۷-۱۶۰).

از دیدگاه زمانی، اندرزنامه‌های عربی از زمان پیدایش نخستین آثار مستقل به زبان عربی در نیمه دوم سده هشتم میلادی تا واپسین نمونه‌های نوشتاری عربی در سده پانزدهم میلادی ادامه می‌یابد. شکل طبیعی پیدایش آثار متنوع ادبی در این بازه طولانی شاید در ساده‌ترین حالت با نام بردن از مهمترین نمونه‌های آن روشن شود (Leder, 1999: 125). محمودالحسن

چون سلیمان و داوود نبی و نیز کتابهای بزرگان مسیحی، بویژه آمبروز و آگوستین بود (Blaydes and others, 2013:5). پژوهشهای کلاسیک نولدکه دربارهٔ رمان اسکندر مقدونی، نمایان ساخت که خاستگاه داستانهای عربی و سریانی، کمابیش نسخه‌های پهلوی است. بنابراین سهم ادب و فلسفه یونانی - هلنی در ادبیات اندرزنانه‌های بسیار مهم است (فوشه‌کور، ۱۳۷۷:۷؛ تفضلی، ۲۰۱۱:۱۳۸۶؛ De menasce, 1958:52; Bosworth, 1970:25). در پرتو اندرزنانه‌های کهن فارسی، می‌توان برخی از قطعات هسیودوس و سقراط را از نو خواند (فوشه‌کور، ۱۳۷۷:۷)؛ همچنان‌که پندهای هرمس (یونانی) در همه اندرزنانه‌های بزرگ و قدیم عربی جایگاهی بس مهم دارد (همان: ۹۹).

اندرزنانه‌های اروپایی کمابیش همزمان با اندرزنانه‌های خاورمیانه آغاز می‌شود. گزارش نگارش اندرزنانه‌ها در اروپا، ترسیم توسعه عقلانی است (Dakhliya, 2002:1192; Jónsson, 2006:156)، اما روایت منسجمی از این توسعه و اوضاع سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. اندرزنانه‌ها، در سرزمینهای اسلامی بیشتر شناخته شده است (Darling, 2013:229). برسرهم، آثار اروپایی فشرده‌تر و کلی‌تر از آثار نوشته شده در خاورمیانه است (Darling, 2013:234). همسایه‌هایی میان اندرزنانه‌های اروپایی و بسیاری از اندرزنانه‌های اسلامی وجود دارد. نشان دادن سیمای پادشاه عادل بعنوان کسی که نگهدارنده و هماهنگ‌کننده نظم اجتماعی است (Forhan, 2002:35)، پایبندی او به فضیلت‌های بنیادی (دادگری، میانه‌روی، خویش‌داری، دلیری، بردباری و احتیاط)، مشورت با کاردانا و شنیدن نظرهای خوب، دوری از تظاهر و رسیدگی به امور مادی و معنوی جامعه (Born, 1928: 470-504; Blaydes and others, 2013:5). ایمان شخصی پادشاه و گسترش مسیحیت توسط وی، از ویژگی‌های این اندرزنانه‌هاست. در بسیاری از اندرزنانه‌های اروپایی، فرمانروا بالاتر از قانون دانسته شده و آمده است که شاه آلمانی باید از قانون بعنوان یک فضیلت و باور پیروی کند (Born, 1928:470-504).

اندرزنانه‌ها در سنت اروپایی، بر نگارش فلسفه

است که اندرزنانه سیاسی او «کتاب فی‌السیاسه» نام داشت. او همچنین نوشته خود با عنوان «پیرامون حکمرانی صحیح» را به نصرالدوله احمدبن مروان (دوران حکومت ۱۰۶۱-۱۰۱۱) والی دیاربکر در بین‌النهرین علیا تقدیم کرد. جانمایه اثر مغربی، نخست زندگی شخصی حاکم (اصلاح الشخص نفسه) و سپس هدایت زیردستان به تفکیک در دربار، افراد قرار گرفته در حوزه قدرت و مردمان عادی است. در اینجا تمرکز نویسنده بر قوانین زندگی و جهت‌گیری وی بر پایه واقعیت‌های زندگی و نه هنجارهای اسلامی است (Leder, 1999:142). الطالبی، المرادی، ابن عربی، ابن رشد و ابن‌ابی‌الریبع از دیگر اندیشمندان و فیلسوفان عرب مسلمان در سده‌های پنجم، ششم و هفتم هـ ق هستند.

اندرزنانه‌های سیاسی در اروپا

اروپاییان نزدیک به هزار اندرزنانه و اثر در زمینه اندیشه سیاسی در قرون وسطی و در اوایل دوران مدرن نوشتند. ارزش علمی این آثار در سنجش با اندرزنانه‌های خاورمیانه در همان دوران، بیشتر است (Darling, 2013:223). منابع اندرزنانه‌های اروپایی، آثار کلاسیک مانند نوشته‌های سنکا (فیلسوف رومی)، پلوتارک، سیسرو و بویژه پس از سده سیزدهم میلادی، بازیابی فلسفه عملی ارسطو، متون مقدس و نمونه‌هایی

● پس از رسیدن اسلام به ایران، بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی در آثار خود به اندرز پرداخته و در این زمینه میراثی ارزشمند از خود به یادگار نهاده‌اند. در این میان نقش وزیران و منشیانی چون برمکیان، خاندان سهل، ابوعبدالله جیهانی، ابوالفضل بلعمی، ابوالفضل بیهقی، ابوالعباس اسفراینی، احمدبن حسن میمنندی و... چشمگیر است. در سروده‌های پیشگامان شعر فارسی در سده سوم، کم‌وبیش نشانه‌هایی از ادب تعلیمی دیده می‌شود.

● با پا گرفتن واقعی شعر فارسی (سده چهارم)، آموزشهای اخلاقی و توجه به آموزه‌های حکمی، اندرز، سفارش به پرهیزگاری و... در سروده‌های نامداران این دوران همچون رودکی، کسایی، شهید بلخی و نیز آثاری چون آفرین‌نامه ابوشکور بلخی و شاهنامه فردوسی دیده می‌شود و می‌توان گفت در دیوان کمتر شاعری است که مضامین اندرزی و اخلاقی یافت نشود، زیرا اندرز از برجسته‌ترین درونمایه‌های ادب فارسی است و ایرانیان همواره در این زمینه پیشگام و سرمشق بوده‌اند.

مطالب اداری بود. این کتاب با اندرزنامه سراسرار همدوره بود (Darling, 2013:230). سینیسیوس، فوتیوس اول، ککاومنوس و توماس مگیستر از دیگر نویسندگان اندرزنامه در دوران بیزانس بوده‌اند.

سنت سکولار ادبیات اندرزی در اروپای باختری در سده دوازدهم با کتاب حجیم «پولیکراتیکوس» جان سالزبری (۱۱۸۰-۱۱۱۵/۲۰ میلادی) آغاز شد. این اثر در زمینه اندیشه سیاسی و اندرزی (Darling, 2013:232; Canning, 1996:133) در سال ۱۱۵۹ میلادی تکمیل و به توماس بکت (اسقف اعظم کلیسای کانتربری) هدیه شد (Chopin, 1999:89). این کتاب بیشتر یک اثر کلی فلسفی بود درباره رسوم سیاسی زمان، برپایه علاقه شخصی نویسنده (Canning, 1996:133). سالزبری در این اثر وظایف فرمانروایان را نه تنها برای خوب بودن، بلکه برای خوب پیشرفت کردن و برپا کردن جامعه‌ای با انصاف و عدالت محور برشمرده و از اوضاع و رفتارها در روزگار خود سخت انتقاد کرده است. سالزبری برخلاف اندرزنویسان پس از خود، کوشیده است میان ایده‌های مذهبی و سنتی با بهره‌گیری از نوشته‌هایی از سیسرو، افلاطون و دیگر منابع لاتین و یونانی و همچنین کتابهای مقدس و پدران کلیسا پیوند برقرار کند (Darling, 2013:232).

یک نکته شگفت‌انگیز آن است که هرچند آثار امام محمد غزالی، خواجه نظام‌الملک طوسی و طرطوسی خیلی پیش از کتاب سالزبری نبوده و پیوندی مستقیم هم با نوشته‌های او نداشته، اما شباهتهایی میان آنها

سیاسی تمرکز دارد: کتابهایی با اطلاعات و رهنمودهای سودمند برای خانواده‌های پادشاهی از جمله اینکه چگونه بر رقیبان و دشمنان سیاسی خود چیره شوند، چگونه یک مدیر شایسته برگزینند و حتی چگونه با خداوند سخن گویند. ایده‌های سیاسی و فرهنگی رایج در زمان نگارش، در این کتابها نمود دارد. اندرزنامه‌های مسیحی، به ساختن تصویری آرمانی از پادشاه گرایش دارند، اما نویسندگان مسلمان بیشتر با بهره‌گیری از داستانها و افسانه‌ها، به مقایسه آنها با جهان واقعی پرداخته و به دنبال انتقال اندیشه و نیز هنر اداره کشور هستند. مهمترین تفاوت اندرزنامه‌های مسیحی و اسلامی در شیوه اندرز دادن به فرمانروایان و اندازه بی‌پرده بودن اندرزهاست. نویسندگان مسیحی در زبان سیاست صراحت بیشتری از خود نشان داده‌اند و در سده نهم میلادی، این صراحت بیشتر به چشم می‌آید (Blaydes and others, 2013:1-3). سده‌های هشتم و نهم میلادی دارای اندرزنامه بودند (Chopin, 1999:88). کشیشان در آن دوران به صورت شخصی و گسترده در نوشتن اندرزنامه‌ها با هدف تعیین فرمانروای مسیحی آرمانی، مشارکت داشتند (Canning, 1996:47). این اندرزنامه بیش از هر چیز بر اخلاق تأکید داشتند (Falkowski, 2008: 5-26) و در آنها به روابط میان کلیسا و پادشاه، اصلاحات اخلاقی، نقش پادشاه بعنوان جانشین مسیح و ضرورت عمل کردن او به فضایل پرداخته می‌شد (Darling, 2013:229). «نهاد سلطنت»، بارزترین پندنامه در دوران کارولژی است که یوناس اورلثان (۸۴۳-۷۶۰ میلادی) آنرا نوشته است (Aigle, 2007:31).

بخش دیگر به اندرزنامه‌های بیزانسی در زمینه اداره کردن امپراتوری مربوط می‌شود. امپراتور کنستانتین هفتم در حدود ۹۵۰ میلادی برای پسر فاسد خود یک راهنمای عملی نوشت. کنستانتین در کتاب خود گزارشها و اسنادی از فرمانروایان و فرمانداران با اطلاعات در زمینه روابط خارجی امپراتوری، ارتباطات جغرافیایی، تاریخ و سیاست در روزگار خود گرد آورد. این کتاب با دبیرخانه عربی برابری می‌کرد و بیش از آنکه دربرگیرنده مطالب سیاسی باشد، دربرگیرنده

وجود دارد. سالزبری ایران و اسپانیا را هم ندیده بود. او به سیسیل رفت (مانند دانشمند همعصرش آدلارد بٹ، مشهور شده به علت ترجمه آثاری از اقلیدس و خوارزمی)، جایی که می‌توانست اندرنامه‌های خاورمیانه را ببیند یا درباره آنها بحث و جدل کند. سفر او پیش از نگارش یا در حین نگارش پولیکراتیکوس بوده است (Darling, 2013:234). ابن‌ظفر سیسیلی (۱۱۷۲-۱۱۰۴ میلادی) مسلمان ساکن سیسیل که معروف به ماکیاولی اعراب است، در سده دوازدهم کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الأتباع» را برای حاکم مسلمان سیسیل، قاسم القرشی نوشت. این کتاب می‌تواند در شمار اندرنامه‌های سیاسی قرار گیرد. از سوی دیگر، همدوره بودن سالزبری و ابن‌ظفر سیسیلی می‌تواند دلیل آشنایی وی و اروپاییان با اندیشه‌های سیاسی و اندرنامه‌های مسلمانان باشد.

نویسندگان اروپایی سده دوازدهم از اثر سالزبری الهام نگرفتند، اما سنت اخلاقی اندرنامه‌نویسی را ادامه دادند. در پایان سده دوازدهم میلادی، نوشتن اندرنامه‌ها به زبانهای محلی آغاز شد و اندرنامه‌های لاتین در دوران رنسانس دوباره اهمیت یافت. سده سیزدهم، زمان رونق انفجارگونه اندرنامه‌های اروپایی بود (Chopin, 1999:90) که بیشتر به زبانهای بومی نوشته می‌شدند و از اثر سالزبری که بیشتر بر سیاست تأکید داشت تا بر اخلاق، پیروی می‌کردند. نکته جالب اینکه سده سیزده، دوران نگارش گسترده اندرنامه‌های

سیاسی در خاورمیانه هم بوده است. این اندرنامه‌ها بسیارند اما به اندازه اثر خواجه نظام یا غزالی در سده یازدهم برجسته نیستند. شباهتهای بسیار میان این آثار و آثار اروپایی وجود دارد و عجیب اینکه برای مقایسه یا ردیابی ارتباط میان آنها تلاشی نشده است. سده سیزدهم زمان ترکیب سنت کهن اندرنامه‌نویسی با یک بازخوانی تازه از اندرنامه ارسطو توسط توماس آکویناس و آگیدیوس کولونا (هر دو در سال ۱۲۸۰ میلادی) بود. این تأثیر در میان مسلمانان و مسیحیان اسپانیا هم رفته‌رفته رخ می‌نمود. یک تفاوت مهم میان آثار اروپایی و خاورمیانه‌ای در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی این است که به ظاهر، جز حکومت سلطنتی، نوع دیگری از حکومت در خاورمیانه قابل تصور نبوده است. مسلمانان به جای کوشش برای رسیدن به بهترین شیوه حکومت، در پی ایجاد سلطنت بهتر بودند؛ درحالی که اروپا در سده‌های چهاردهم و پانزدهم، با جمهوری یا امپراتوری شدن پادشاهیها، می‌رفت تا بر جهان تسلط یابد (Darling, 2013:234-236).

عنوان اندرنامه در کتابها با درونمایه سیاسی، نخستین بار از سوی یک نویسنده ناشناس نروژی پیش از ۱۲۶۰ میلادی به کار رفت (Darling, 2013:229). همچنین کتاب «درباره سلطنت برای پادشاه قبرس»، میان سالهای ۱۲۷۱ و ۱۲۷۳ میلادی برای پادشاه هیو سوم نوشته شد. بخش نخست کتاب را که نزدیک به دو چهارم کتاب است آکویناس و بقیه آنرا پتولمی لوکا (۱۳۲۷-۱۳۳۶ میلادی) نوشت؛ همچنان که گیلز رم (آگیدیوس رومانوس ۱۳۱۶-۱۲۴۳ میلادی) رساله خود «درباره دولت شاهزادگان» را در سال ۱۲۸۰ میلادی برای پادشاه آینده فرانسه، فلیپ چهارم نوشت (Canning, 1996:129). آکویناس ناقل اصلی ایده‌های سیاسی ارسطویی به قرون وسطی نبود. این نقش را گیلز رم، با کتاب درباره دولت شاهزادگان بازی کرد. این کتاب، اثرگذارترین نمونه اندرنامه در قرون وسطی است که نخست در سال ۱۲۸۶ میلادی به زبان فرانسه و سپس به دیگر زبانهای مهم محلی در اروپای باختری ترجمه شد. این اثر بسیار خواندنی

● باید گفت که شاهنامه نه تنها خود یک اندرنامه، که یکی از مهمترین منابع اندرنامه‌های ایرانی است. فردوسی در شاهنامه، هم خود و هم از زبان شخصیت‌های اصلی که برپایه منابعی چون خدای نامه به‌نظم کشیده شده است، به پند و اندرز دادن برای رسیدن به زندگی خوب پرداخته است. در واقع، فردوسی به شیوه خود، مجموعه‌های معروف اندرنامه‌های سیاسی را آورده است: اندرزهای انوشیروان، بزرگمهر، اردشیر، ارسطو و... از آن جمله است.

● سلجوقیان از هواداران بزرگ ادبیات فارسی و تا اندازه‌ای ادبیات عرب بودند. بزرگترین استادان شعر ستایشی در این دوران، بی‌گمان جبهه‌ای بی‌باک پدید آوردند و باورهای فلسفی، هشدارها و اندرزها را در سروده‌هایشان گنجانده‌اند. سده پنجم، سده شکوفایی ادبیات اخلاقی ایران است. شعر و نثر فارسی در دوران سلجوقی روزگاری پر فروغ به خود دید و ادبیات اخلاقی - اندرزی بویژه اندرزنامه‌های سیاسی رونق گرفت به گونه‌ای که می‌توان گفت سنت اندرزنامه‌نویسی در آن دوران به اوج رسید. ادبیات اخلاقی در آن دوران در هر دو بخش شعر و نثر بوده است، هرچند اندرزنامه‌نویسی به نثر قابل قیاس با شعر اندرزی در آن دوران نمی‌تواند باشد.

اروپایی همچون مازارین و کولبرت نسخه‌هایی از این آثار را گردآوری کردند (Darling, 2013:241). به هر روی، اندیشمندان، اندرزنامه‌های اروپایی را در رده آثار در زمینه اندیشه‌های سیاسی در نظر می‌گیرند (Darling, 2013:225) که تا دوران رنسانس ادامه می‌یابد (Blaydes and Jónsson, 2006: 153; others, 2013:3). بسیاری از اندرزنامه‌های اروپایی به لاتین نوشته شده و برای مردمان در هر جا شناخته شده بود. مطالعات تطبیقی اندکی در اروپا روی اندرزنامه‌ها انجام گرفته است و بسیاری از پژوهشگران به این موضوع پرداخته‌اند که اندرزنامه‌ها چه چیزهایی را دربر می‌گیرد. علاقه این پژوهشگران، توسعه تئوری سیاسی در اروپا و نه تأثیر این تئوری یا ادبیات بر سیاست است (Darling, 2013:225). در اروپا، پیش از آغاز سده هجدهم، به دو دلیل عمده از اهمیت اندرزنامه‌ها کاسته شد: نخست پیدایش صنعت چاپ و معرفی سبک‌های تازه ادبی و دیگر، مطرح شدن موضوع ائتلاف یا تقسیم قدرت سیاسی میان افراد گوناگون؛ روش‌های تازه‌ای برای نگهداشت قدرت یا به دست آوردن آن در آینده مورد توجه قرار گرفته بود و به جای اوکلو، هابز و به جای ماکیاولی، کانت سربرآورده بودند (Darling, 2013:240).

است و با استانداردهای قرون وسطی نظام‌مند به‌شمار می‌رود، هرچند اثری است که برای مخاطبان دولتی خاص نوشته شده است (Canning, 1996:133). در سال ۱۲۸۰ میلادی، دانشمند انگلیسی روگر باکون کتابی به نام «رهبران حکومت» نوشت و تا اندازه زیادی از سرالاسرار الگوبرداری کرد. در آن دوران از کتاب سرالاسرار نزدیک به هزار نسخه به زبانهای اروپایی وجود داشت که رقم چشمگیری است (Darling, 2013:231).

در بسیاری از اندرزنامه‌ها در اروپای قرون وسطی، سده پانزدهم بخشی از دوران رنسانس در نظر گرفته شده است. به سخن دیگر، پژوهشگران در نخستین دهه‌ها در تاریخ مدرن اروپا، بر آن بوده‌اند که کار اندرزنامه‌نویسی با ماکیاولی در ابتدای سده شانزدهم آغاز می‌شود.

ماکیاولی کتاب شهریار را در سال ۱۵۱۳ میلادی نوشت و به سنت‌های پیشین اندرزنامه‌نویسی نزدیک شد (Darling, 2013:240). کتاب شهریار ماکیاولی از مشهورترین اندرزنامه‌های سیاسی است (ترابی فارسانی و غندی، ۱۳۹۴:۷۳). این رساله بسیار کوتاه در اندک زمان به بیشتر زبانها ترجمه و در سراسر اروپا منتشر شد. کتاب ۲۶ فصل دارد و دربرگیرنده سفارشها، پندها و نمونه‌هایی از تجربه در زمینه کشورداری است. ماکیاولی اندیشه‌های متفاوتی دارد و از سیاست تمرکز قدرت دفاع می‌کند. اراسموس و گیوم بوده را نیز می‌توان در شمار اندرزنامه‌نویسان اروپایی در سده شانزدهم دانست (Genet, 2003:531-541).

اندرزنامه‌های سیاسی در قرون وسطی بیشتر برای دیوانیان و ناظر به زندگی سیاسی و روابط خانوادگی آنان و موضوع زن بود. نویسندگان این اندرزنامه‌ها، جنبه‌های اخلاقی و اقتصادی مباحث ارسطو از حکومت را گرفتند، درحالی‌که بسیاری از آثار اخلاقی خاورمیانه دربرگیرنده مفاهیم مذهبی بود. چنین می‌نماید که اروپاییان گرچه به آثار درباره اصول اخلاقی مسلمانان علاقه نداشته‌اند، اما به ادبیات اندرزی سیاسی خاورمیانه علاقمند بوده‌اند. بسیاری از آثار در این زمینه به زبانهای اروپایی ترجمه شد و دولتمردان

اندرزنامه‌های سیاسی در شرق

پیش از اسلام، ایرانیان از هندیان نیز در زمینه اندرزنامه‌نویسی الهام گرفتند (همایی، ۱۳۶۶:۱۴۶؛ تفضلی، ۱۳۸۶:۲۰۴؛ فوشه‌کور، ۱۳۷۷:۱۸؛ ریپیکا، ۱۳۸۳:۱۳۴؛ میرباقری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹:۷۴؛ Darling, 2013:229 leder, 2015:94; Bosworth, 1970:25; Crone, 2004:152; Aigle, 2007:17؛ هرچند این الگوبرداری اندک بود (Marlow, 2009:527; Ohlander, 2009:240). کتابها نخست به پارسی و سپس از پارسی به زبان تازی برگردانده شد. مانند کلیله و دمنه، دو کتاب از سندباد بویژه افسانه بلوهر و بوداسف به اروپا رسیده و هنوز با نام برلثام و جوزافت پراوازه است (ریپیکا، ۱۳۸۳:۱۳۴). اساس کتاب شرح زندگی بوداست (تفضلی، ۱۳۸۶:۳۰۱). بدین‌سان، این فرض که سنت اندرزنامه‌نویسی بویژه اندرزنامه‌نویسی سیاسی از هند گرفته شده، تقویت می‌شود؛ هرچند باید دانست که بسیاری آثار از جمله نامه تنسر پیش از آنها نوشته شده است.

کلیله و دمنه از مهمترین کتابهای کهن با درونمایه سیاسی و اخلاقی است. فراهم آورنده این کتاب، حکیمی هندی موسوم به بیدپای است که آنرا برای دابشلیم که پس از اسکندر متولی امور هندوستان شده بود، نوشته است. اصل کتاب به سانسکریت بوده و در حدود سده ششم میلادی به دست برزویه حکیم

ایرانی، به فارسی پهلوی ترجمه شده است. ابن مقفع در سده دوم هجری این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. بعدها، کسانی آنرا به نظم کشیدند، برخی دوباره آنرا نقل و تألیف کردند و بعضی نیز کتابهایی به همان سبک نوشتند. در گذر زمان مطالبی بر کتاب افزوده و بالغ بر ۲۱ باب شد (همایی، ۱۳۶۶:۲۰۲). کلیله و دمنه ابن مقفع چند بار دیگر ترجمه شد که از آن جمله می‌توان داستانهای بیدپای ترجمه محمدبن عبدالله بخاری و «انوار سهیلی» ترجمه ملاحسین کاشفی واعظ سبزواری و «عیار دانش» ترجمه یکی از وزیران اکبرشاه در هندوستان را نام برد (میرباقری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹:۷۴). ترجمه ابوالمعالی نصرالله منشی (سده ششم هجری) بر همه ترجمه‌های دیگر برتری دارد. نسخه منظوم کلیله و دمنه اثر رودکی نیز گم شده است (ریپیکا، ۱۳۸۳:۴۰۸).

به هر روی اندرزنامه‌ها دوباره به دست مسلمانان از اسپانیا تا هند و از آسیای مرکزی تا صحرا گسترش یافت (leder, 2015:94) و از سوی هندیان، چینیان، مغولان و اسلاوها مورد استقبال قرار گرفت. تأثیر اندرزنامه‌ها از خاورمیانه به سوی شرق، بیشتر است. گرچه چینیان اندرزنامه‌های سیاسی ندارند، اما تفسیرها و گزارشها روی آثار کلاسیک کنفوسیوس، منسیوس و سنت هندی با سنت خاورمیانه گره خورده است. اندرزنامه‌های نوشته شده به دست مسلمانان هند در قرون وسطی، شباهت بسیار به اندرزنامه‌های ایرانی و عربی دارد. از سده دوازدهم میلادی، سفارشها و پندهای عدالت‌محور اندرزنامه‌های سیاسی خاورمیانه را نه تنها در آثار مسلمانان هند، بلکه در ادبیات جنوب شبه قاره نیز می‌توان دید (Darling, 2013:234). برجسته‌ترین اندیشمند سیاسی هند در سده چهاردهم، ضیاءالدین برنی بود که منابع خاورمیانه‌ای را به خوبی می‌شناخت. تأکید او در کتاب فتاوی جهانگیری بر عدالت بود اما برای رسیدن به حکومت موفق، قدرت را مد نظر داشت. وی را ماکیاولی شبه‌قاره نامیده‌اند (Syros, 2012:546).

در طول سده پانزدهم، اندرزنامه‌هایی به سبک ایرانی در خاور دور نوشته شد. اندرزنامه‌های تیموری، هندی

● قابوس‌نامه را بیشتر بعنوان نخستین پندنامه اخلاق حکومتی به زبان فارسی می‌شناسند. قابوس‌نامه یک مرجع و منبع الهام مهم در ادبیات اخلاقی ایران است. موضوع کتاب، حکمت عملی و مشتمل بر تدبیر منزل و سیاست مدن است. قابوس‌نامه از حیث شناسایی تمدن قدیم و علم زندگی و دستور زندگی سودمند و دربرگیرنده اطلاعاتی درباره تمدن پیش از تازش مغول است.

● سیرالملوک (سیاست‌نامه) اثر خواجه نظام‌الملک طوسی، بهترین الگوی اندرزنامه‌نویسی سیاسی در نظر گرفته می‌شود و منبع اصلی برای بررسی سازمان سیاسی دولتهای مسلمان در خاور زمین است که در ۴۷۹ هـ.ق به دستور ملکشاه سلجوقی برای شناخت الگوی خوب کشورداری نوشته شده است. خواجه نظام‌الملک، از ۴۵۵ هـ.ق، ۲۹ سال وزیر بلندپایه سلجوقیان بود. سیاست‌نامه نه تنها از دید ادبی و تاریخی، که از دیدگاه سیاسی، اندیشه‌ای و آیین کشورداری، از برجسته‌ترین اندرزنامه‌های ایرانی - اسلامی است.

به‌میان آمده است. ظهیری رییس دستگاه حکومتی یکی از فرمانروایان قراختایی در چین شمالی (آسیای مرکزی) بود. وی همچنین کتاب دیگری به‌نام سندبادنامه را به همان فرمانروا تقدیم کرد (Aigle, 2007: 29).

اندرزنامه‌های سیاسی در دوران ایلخانی

مرحله دیگری از نگارش اندرزنامه‌های سیاسی در سال ۱۲۵۸ میلادی پس از تصرف بغداد به دست مغولان و سقوط خلیفه عباسی شکل گرفت. ایران به مدت چند دهه به‌دست یک قدرت غیراسلامی افتاد. از سده سیزدهم میلادی، پندنامه‌ها و رسالاتی در زمینه اخلاق حکومتی در قلمرو فرهنگی ایران نوشته شد، اما دیگر خبری از آثار بسیار بزرگ پیش از سده سیزدهم نبود (Aigle, 2007: 37). سده سیزدهم، دوره مصالحه و آشتی میان اسلام، سنت و آیینهای یونانی - ایرانی بود. این نکته را می‌توان در آثاری مانند «بحرالنفوس» از نویسنده‌ای ناشناخته و «مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد» از نجم‌الدین رازی دید. نویسندگان چنین آثاری، مانند نویسندگان اروپایی، بیشتر از روحانیون بودند که بعنوان کاتبان درباری ورزیده و آموزش دیده در سنت ایرانی، از نمونه‌های ساسانی و گاه از کتاب مقدس یا نمونه‌های تاریخی استفاده می‌کردند (Darling, 2013: 235). بحرانهای سیاسی - اجتماعی ناشی از حضور مغولان، سقوط خوارزمشاهیان،

و حتی اندرزنامه‌های شیبانیان در آسیای مرکزی از آن جمله است (Darling, 2013: 238). کتاب «آداب‌الملوک و کفایه‌الملوک» (به فارسی) اثر محمدبن منثور ملقب به مبارکشاه غوری و معروف به فخر مدبر (۱۲۶۰ میلادی) در هند یک الگو از سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک بود. (Luce, 2010: 1918). از دیگر مقلدان خواجه در هند، ابوالفضل علامی (۱۶۰۲ میلادی) بوده که کتاب معروفی به نام «آیین اکبری» درباره مفهوم و قواعد پادشاهی و سلطنت دارد (Leder, 2015: 97). مبارکشاه (سده هفتم هجری) هم کتاب «آداب‌الحرب و شجاعه» را به نام شمس‌الدین ایلتمش پادشاه هندوستان در بیان اوصاف پسندیده امیران و وزیران و فرماندهان، شیوه اختیار کردن وزیر، شیوه فرستادن رسول و... در سی و چهار باب نگاشت (میرباقری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱۳). اندرزنامه‌نویسی در هند از سده هفدهم ادامه یافت و شکوفا شد، اما در سده هجدهم از اهمیت آن کاسته شد (Darling, 2013: 240).

اندرزنامه‌نویسی در جنوب خاوری آسیا، بویژه در اندونزی نیز رواج داشت. کتابهای مهم «تاج‌السلطین» نوشته بخاری جواهری و «بستان‌السلطین» از نورالدین رانیری هر دو در سده هفدهم میلادی، از مهمترین آثار اندرزی سیاسی در این منطقه است. هر دو کتاب با اثرپذیری از اندرزنامه‌های ایرانی بویژه کلیله‌و‌دمنه و سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی نوشته شده و سلطان‌نشین مسلمان سوماترا (پادشاهی آچه) مشوق اصلی نویسندگان این کتابها بوده است.

در کاشغر، یوسف خاص حاجب نویسنده یک پندنامه اخلاقی به نام «علم‌السعاده» (قوتادغوبیلیگ) است. این اندرزنامه در سال ۴۶۲ هـ.ق (۱۰۶۹ میلادی) به زبان ترکی اویغور نوشته شده و آنرا می‌توان نخستین کتاب ترکی - اسلامی دانست. یوسف آنرا به خاقان تاوغاچ بوغراخان ابوعلی حسن فرزند سلیمان ارسلان‌خان تقدیم کرد. خاقان مسلمان ترک، اثر با ارزش او را پسندید و به آن بها داد و مقام او را از صدارت تا رتبه «خاص حاجبی اعلاء» ارتقا داد. (Aigle, 2007: 18). پندنامه اخلاقی کوچک دیگری هم در نیمه نخست سده دوازدهم میلادی توسط ظهیری سمرقندی نوشته شده که در آن از «قوه قهریه» سخن

طوسی، واعظ کاشفی و... از سده پانزدهم میلادی رخ نمود. همزمان، آثار سیاسی تازه‌ای هم از روی اندرزنامه‌های قدیمی نوشته و الگوبرداری شد. در قاهره، کتابهایی چون: «آثارالأول فی ترتیب الدول» به قلم العباسی (۱۳۱۰ میلادی) با الگوبرداری از ارسطو و «بدائع‌السلک فی طبائع‌الملک» به خامه ابن‌ازرق (۱۴۹۱ میلادی) با الگوبرداری از ابن‌خلدون نوشته شد (Darling, 2013: 237).

برخی از اندرزنامه‌های نگاشته شده در دوره ایلخانی تنها یک نسخه خطی دارد که گویای محدود بودن دامنه توجه به این متون است؛ هرچند برخی استثناها هم وجود دارد. کم توجهی به این گونه پندنامه‌ها، چه بسا به این دلیل بوده که عقاید سیاسی و داستانهای ذکر شده در آنها، بیشتر برگرفته از متون پیشین بوده است. گذشته از آن، این متون اطلاعات کمی درباره دوره‌ای که در آن نوشته شده به دست می‌دهد (Marlow, 2004: 169-193). به هر روی آنچه در اندیشه اندرزنامه‌نویسان این عصر می‌گذرد، تقویت نظریه حکومت متمرکز بر پایه اندیشه ایرانشهری، به منظور بهبود بخشیدن به اوضاع و کاهش آسیبهای اجتماعی پس از یک دوره ویرانی و آشفتگی است (شرفی، ۱۳۹۰: ۹۳). به نمونه‌هایی چند از اندرزنامه‌ها در دوره ایلخانی می‌توان اشاره کرد. مهمترین و نخستین اثر، «اخلاق ناصری» نوشته خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ هـ.ق) است. کتاب بیانگر یک حالت گذار و مرحله تازه و تکامل یافته‌ای از سنت نگارش پندهای سیاسی است (Yavari, 2008; Marlow, 2004: 48). «اخلاق ناصری» چنان که باید مورد مطالعه قرار نگرفته، درحالی که الگویی برای متون بعدی در این سبک بوده است (Aigle, 2007: 20). کتاب با بازخوانی تازه از اندیشه‌های ارسطو، اندرزنامه‌ای سیاسی است که شکل فلسفی یافته است. خواجه پیرو فارابی بوده (لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۴۴) و کتاب را در سال ۱۲۶۰ میلادی نوشته است. طوسی سنت اندرزنامه‌نویسی را با نگارش کتابچه‌ای در مورد مالیات آغاز کرد. کتاب دربرگیرنده پندها و دستورهایی در این باره بود که چگونه می‌توان دریافت مالیات را تضمین و کشور را خوب اداره کنند (Darling, 2013: 237).

فروپاشی خلافت عباسی، بالا گرفتن جنگهای صلیبی در مرزهای غربی جهان اسلام، ناکارآمدی دستگاه حکومت ایلخانان و... نخبگان ایرانی را واداشت تا با بهره‌گیری از امکانات موجود، راهکاری برای بهبود اوضاع بجویند (شرفی، ۱۳۹۰: ۹۷). بنابراین در این دوران شاهد انبوهی از کتب اندرزی و اندرزنامه‌های سیاسی هستیم.

پس از سقوط بغداد، ابن تیمیه اندیشمند نامدار حنبلی، در جریان واپسین حملات مغولان به ایران، در سوریه به جهاد پرداخت و عقاید سیاسی خود را در کتابهای گوناگون تشریح کرد (Aigle, 2007 b: 89-120). ابن تیمیه دوران پیامبر و اصحابش را دوران طلایی اسلام می‌داند و بر آن است که اتحاد واقعی جامعه، تنها در آن دوران بوده است. فضای میان سیاست و شریعت در یکی از آثار او به نام «کتاب السیاسة الشرعية» از میان رفته است. این اثر رساله‌ای در باب اصول عمومی «حکومت الهی» است. ابن تیمیه در سراسر این کتاب بر ضرورت قوه قهریه که برای حفظ نظم سیاسی گریزناپذیر است تأکید می‌کند (Aigle, 2007: 38). گفته می‌شود که به چنگیزخان، کسی جز مادرش مشورت نمی‌داده است، ولی بازماندگان چنگیز که در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی بر خاورمیانه فرمان می‌راندند به اندرز منشیان و بلندپایگانی که بیشتر از ایرانیان بودند نیاز داشتند. بنابراین اندرزهای ایرانی بار دیگر کاربرد یافت و بسیاری از اصول اداری عملی در اندرزنامه‌ها گنجانده شد. ادبیات توسعه یافته‌تر در زمینه سیاست، مانند آثار خواجه نصیرالدین

● اندیشه‌های خواجه گذشته از اینکه در سیاست‌نامه، برآمده از تجربه‌های عملی خود او در زمینه سیاست و نیز برخی از اصول سیاست و حکومت اسلامی است، آشکارا رنگ ایرانی دارد و می‌توان نشانه‌هایی زیادی از الگوهای کهن کشورداری ایرانی (بویژه آنچه در نامه تنسر، اندرزنامه اردشیر بابکان و شاهنامه فردوسی آمده است) در آن یافت.

• اندرزنامه‌نویسی شیخ اشراق، برخلاف بسیاری از اندرزنامه‌نویسان ایرانی، همچنان در چارچوب اندیشه سیاسی آرمانی او باقی می‌ماند و می‌توان آنها را آمیزه‌ای از سنت کهن اندرزنامه‌نویسی برای شاهان و فلسفه سیاسی اشراقی دانست. الگوی سه‌رودی پیش از آنکه با اندرزنامه‌های کلاسیک ایرانی همخوان باشد، با کوشش افلاطون برای راهنمایی برخی از فرمانروایان و آموزش فلسفه به آنان درخور سنجش است. کوشش سه‌رودی نیز همانند افلاطون، بیهوده بود، زیرا در الگوی اشراقی، واقعیت سیاسی و آرایش نیروهای موجود نقشی ندارد.

«انوار سهیلی» را با افزوده‌هایی به مجموعه داستانهای کلیده‌ودمنه نوشت و آنرا به شیخ احمد سهیلی از بلندپایگان در دربار سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد (ریبیکا، ۱۳۸۳:۵۵۹). انوار سهیلی به نام «همایون‌نامه» به ترکی ترجمه شد و آن ترجمه به فرانسه رفت و به دستور لویی چهاردهم و به‌دست گالان به زبان فرانسه درآمد و مایه شهرت کلیده‌ودمنه و انوار سهیلی شد (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: مقدمه ۹۵). واعظ اثری اخلاقی و سیاسی هم به سبک اخلاق ناصری به نام «اخلاق محسنی» نوشت (Darling, 2013: 237). این سومین کتاب درباره اخلاق است. نخستین آنها اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی و دومین آن اخلاق جلالی دوانی است (ریبیکا، ۱۳۸۳:۵۵۹). اخلاق محسنی اندرزنامه‌ای سیاسی است که سیاست و قدرت را با اخلاق پیوند می‌زند. در واقع، در روزگاری که رفتار حاکمان، اوضاعی بحرانی پدید آورده، کاشفی در چارچوب سنت فکری ایرانی، در پیش گرفتن سیاستی اخلاقی را سفارش می‌کند و مشروعیت و دوام حکومت را در گرو رعایت اصول اخلاقی می‌داند (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴:۹۵).

جلال‌الدین دوانی (درگذشت ۳/۹۰۸-۱۵۰۲) «اخلاق جلالی» یا «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» را بر پایه نظریه اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی نوشت.

کتابی به نام «نصیحت‌نامه» نیز منتسب به وی در دست است (نفیسی، ۱۳۶۳:۱۳۹). خواجه نصیرالدین در کتاب اخلاق ناصری از متن منقول طهارت‌الاعراق مسکویه بهره گرفته است (فوشه‌کور، ۱۳۷۷:۹۸).

یکی از کتابهایی که به‌صورت اندرزنامه و درباره کشورداری و حکومت‌داری صحیح است، کتاب تاریخ فخری است. کتاب عربی الفخری یا «منیته الفضلا فی تواریخ الخلفا و الوزرا» اثر محمدبن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی در سده هفتم به نام و برای حاکم موصل نوشته شده است. این کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش نخست اندرزنامه‌ای مشتمل بر سیاست مدن و بخش دوم شامل تاریخ مختصری از دول اسلامی است. اهمیت این کتاب بیشتر به‌علت همان بخش نخست است که درباره اصول کشورداری است (مرسلپور و دیگران، ۱۳۹۱:۸۹؛ بیات، ۱۳۷۷:۲۰۰؛ روزنتال، ۱۳۸۸:۵۵).

«جوامع‌الحکایات و لوامع‌الرویات» در سال ۶۳۰ هجری توسط سدیدالدین محمد عوفی بخارایی فراهم آمد. کتاب دربرگیرنده بیش از دو هزار داستان ادبی و تاریخی و سخت آموزنده و خواندنی است (براون، ۱۳۶۸:۱۶۴؛ میرباقری فرد و دیگران، ۱۳۸۹:۲۰۷؛ بیات، ۱۳۷۷:۲۷۴). فخرالدین هندوشاه نخجوانی، منشی و مؤلف نامدار سده هفتم و هشتم هجری، کتاب «تجارب‌السلف» را که ترجمه‌ای آزاد از «منیته الفضلا فی تاریخ الخلفا و الوزرا» ابن طقطقی بود، به نصرت‌الدین احمد پسر یوسف‌شاه حاکم لرستان پیشکش کرد (میرباقری فرد و دیگران، ۱۳۸۹:۲۵۶). شمس‌الدین محمد معروف به شمس منشی، فرزند هندوشاه نخجوانی هم در سده هشتم هجری کتاب «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» را تألیف و به سلطان اویس جلایر (۷۷۷-۷۵۷ هـ ق) اهدا کرد. کتاب اطلاعات سودمندی درباره تشکیلات اداری و طبقات دیوانیان چون شاهان، وزیران، کارگزاران، اصناف، مشاغل گوناگون و روابط آنها دارد (میرباقری فرد و دیگران، ۱۳۸۹:۲۷۶). کتاب در رده اندرزنامه‌های سیاسی جای می‌گیرد.

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری کتاب

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۷-۶۴۸ هـ.ق) نیز وزیر، پزشک و تاریخ‌نگار در دستگاه ایلخانی بود که به دستور غازان‌خان کتاب **جامع‌التواریخ** را به رشته تحریر درآورد. **جامع‌التواریخ** هرچند اثری تاریخی است، اما صورتبندیهای اندرزی نیز در آن می‌توان دید. عبدالرحمان جامی «بهارستان» را در سال ۸۹۲ هجری به تقلید از گلستان سعدی در هشت روضه و برای فرزند ده ساله‌اش، ضیاءالدین یوسف نوشت و آنرا به نام سلطان حسین بایقرا کرد (میرباقری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱۶). «تحفه‌الاحرار» و «خردنامه اسکندری» نیز از آثار جامی است که مطالب اخلاقی و اندرزی دارد. «لمعات» فخرالدین عراقی همدانی، «انیس‌الناس فی اخلاق» کتابی به تقلید از قابوس‌نامه نوشته شده در سال ۸۳۰ هـ.ق توسط شجاع شیرازی برای شاه شیخ ابواسحاق اینجو حاکم فارس، «ذخیره‌الملوک» از میرسیدعلی همدانی (۷۸۶-۷۱۴ هـ.ق)، شرح **نهج‌البلاغه** از ابن‌ابی‌الحدید (۶۵۵-۵۸۶ هـ.ق) نویسنده تاریخ شاهی و وصاف شیرازی، «لطائف‌الحکمه» از سراج‌الدین ابوالثناء محمودبن ابی بکر الارموی (سده هفتم)، **تحفه‌النصایح** اثر محمد یوسف (سده هشتم هجری)، دو رساله از شاه نعمت‌الله ولی (سده هشتم هجری) به نام «نصیحت‌الملوک» و «نصیحت‌نامه»، آداب سلطنت اثر هبه‌الله حسینی معروف به شاه‌میر (سده نهم)، **تحفه‌الملوک** و **سیرالملوک** اثر میرنظام‌الدین علیشیر نوایی (سده نهم هجری)، تاریخ جهانگشا از عظاملک جوینی، «برزنامه» از شمس‌الدین محمد کوسج (سده هشتم هجری)، «سلوک‌الملوک» از فضل‌الله بن روزبهان خنجی به زبان عربی و اخلاق منصور از صدرالحکما میرغیاث‌الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی، **نصیحت‌نامه** از محمدبن مغربی (سده هشتم هجری) از پیروان مکتب ابن عربی مؤلف طبقات ناصری، آثار فخرالدین رازی، آثار شاعرانی چون امیرخسرو دهلوی، خواجوی کرمانی و ابن‌یمین، «اخلاق‌الاشراف»، «موش و گربه» و حتی «صد پند» عبید زاکانی نیز دارای ویژگیهای اندرزی و سیاسی است.

این کتاب متکلف‌ترین کتاب اخلاق است (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۵۶۰). دوانی در اواخر سده پانزدهم در قلمرو آق‌قویونلوها از اندرزنانه ارسطو به اسکندر و دایره عدالت از سرالاسرار الگو گرفت (Darling, 2013: 237). دوانی بر حسام‌الدین چلبی، نویسنده سده شانزدهم اثر مستقیم گذاشت و نوشته‌اش شکل فلسفی داشت (Darling, 2013: 229).

سعدی (تولد ۶۰۶ هجری)، بوستان را به نام اتابک ابوبکر بن سعد و گلستان را به نام پسرش سعد از اتابکان سلغری فارس نوشته است. گلستان هشت باب و یک دیباچه دارد و از سیاستنامه‌های ادبی است (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۰۲). **نصیحت‌الملوک**، دیگر اثر مهم سعدی، رساله‌ای درباره سیاست است. بهارستان جامی، پریشان‌قآنی (شاعر دوران قاجار) و منشآت قائم مقام فراهانی از مهمترین نظیره‌های گلستان به‌شمار می‌روند (ریپیکا، ۱۳۸۳: ۴۵۷). سعدی مقتدای اسدی طوسی در آیین کشورداری است (میرباقری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۷). از شاعران پندآموز همروزگار سعدی، می‌توان به اوحدی مراغه‌ای (با آثاری چون مثنوی جام‌جم، آیین جهان‌نما) و اوحدی کرمانی (مصباح‌الارواح) اشاره کرد.

● اروپاییان نزدیک به هزار اندرزنانه و اثر در زمینه اندیشه سیاسی در قرون وسطی و در اوایل دوران مدرن نوشتند. ارزش علمی این آثار در سنجش با اندرزنانه‌های خاورمیانه در همان دوران، بیشتر است. پژوهشهای کلاسیک نولدکه درباره رمان اسکندر مقدونی، نمایان ساخت که خاستگاه داستانهای عربی و سریانی، کمابیش نسخه‌های پهلوی است. بنابراین سهم ادب و فلسفه یونانی - هلنی در ادبیات اندرزنانه‌ای بسیار مهم است. در پرتو اندرزنانه‌های کهن فارسی، می‌توان برخی از قطعات هسیودوس و سقراط را از نو خواند؛ همچنان‌که پندهای هرمس (یونانی) در همه اندرزنانه‌های بزرگ و قدیم عربی جایگاهی بس مهم دارد.

اندرزنامه‌های سیاسی در امپراتوری عثمانی

در عثمانی و در نزد ترک زبانان آن امپراتوری عناوین اندرزنامه‌ها شناخته شده بود و برای آنها بیشتر عنوان «نصیحت‌نامه» به کار می‌رفت. اندرزنامه‌ها در عثمانی تحت تأثیر اندرزنامه‌های ایرانی پدید آمدند (Sariyannis, 2015:20) و کمابیش از سده چهاردهم میلادی وارد ادبیات عثمانی شدند (Ferguson, 2010:81). به نظر می‌رسد اندرزنامه اصلی آناتولی در دوران عثمانی «کنز الکبری» اثر مصطفی شیخ‌اوغلو باشد که به سال ۱۴۰۰ میلادی و به شیوه‌ای فلسفی نوشته شد. مدت کوتاهی پس از وی (۱۴۱۱)، احمدی، یک شعر حماسی برای اسکندر کبیر، به نام «اسکندرنامه» و با خاتمه‌ای برای چهار سلطان نخست عثمانی نوشت (Fodor, 1986:221). پایان این کتاب بعنوان بخشی در نظر گرفته شده، اما بیشتر یک کار انتقادی و اثری در زمینه اندرزنامه سیاسی است که ایده‌های سلطان مراد یکم را بازتاب می‌دهد (Sariyannis, 2015:21). سه دهه بعد، کتابی به نام «کنز السعادت» در زمینه اصول اخلاقی به شیوه اندرزنامه‌های ایرانی و از نویسنده‌ای ناشناس منتشر شد. اثر دیگری به نام «مرآت الملوک» تلفیقی از سبکی فلسفی با نصیحت‌الملوک غزالی را آماسی نوشت.

در سده شانزدهم هم اندرزنامه‌هایی سیاسی برای سلاطین عثمانی نوشته شد. سلطان سلیمان به اندرزهایی برگرفته از داستانهای اسلامی و پیش از اسلام نیاز داشت. وزیر بزرگ وی لطفی‌پاشا (۱۵۶۲-۱۴۸۸ میلادی) در بازنشستگی، کتاب «آصف‌نامه» را در سال ۱۵۴۵ میلادی با بهره‌گیری از اندرزنامه‌های قدیمی و تجربیاتش نوشت. واقعگرایی لطفی‌پاشا، بر نویسنده مهم بعدی اندرزنامه به نام مصطفی علی (۱۶۰۰-۱۵۴۱) و کتابش «نشاط السلاطین» اثر گذاشت. اندرزنامه‌ها در سده هفدهم میلادی در عثمانی، شامل آثار انتقادی بخشی از نخبگان درباره بخش دیگری از نخبگان است و رقابت آنان را در این دوره نشان می‌دهد (Tezcan, 2013:141-149). برخلاف آثار اروپایی که تئوریک و فیلسوفانه بود، اندرزنامه‌های

● پژوهشگران در نخستین دهه‌ها در تاریخ مدرن اروپا، بر آن بوده‌اند که کار اندرزنامه‌نویسی با ماکیاولی در ابتدای سده شانزدهم آغاز می‌شود. ماکیاولی کتاب شهریار را در سال ۱۵۱۳ میلادی نوشت و به سنتهای پیشین اندرزنامه‌نویسی نزدیک شد. کتاب شهریار ماکیاولی از مشهورترین اندرزنامه‌های سیاسی است. این رساله بسیار کوتاه در اندک زمان به بیشتر زبانها ترجمه و در سراسر اروپا منتشر شد. کتاب ۲۶ فصل دارد و دربرگیرنده سفارشها، پندها و نمونه‌هایی از تجربه در زمینه کشورداری است. ماکیاولی اندیشه‌های متفاوتی دارد و از سیاست تمرکز قدرت دفاع می‌کند.

عثمانی موضوعی و عملیاتی بود. عثمانیان آثاری در زمینه تئوریهای سیاسی تولید نکردند. در سده نوزدهم میلادی، اندرزنامه‌های نو و کهنه عثمانی در توسعه اندیشه سیاسی مدرن درباره محدودیت دولت نقش داشت (Darling, 2013:225-241).

ابن عطیه الحموی، نویسنده سوری، در دهه دوم سده شانزدهم، تکالیف و وظایف امام را برای سلطان سلیم یکم شرح داد (Leder, 2015:98). نقش این‌گونه سنت در تقویت سلسله عثمانی درخور توجه است، همچنین راهکارهایی که آیین‌علی در کتاب «قوانین آل عثمان» و علی چاوش در کتاب «صوفیا» (سده هفدهم) به دست داده‌اند. به هر روی اندرزنامه‌نویسان دیگری چون سینان پاشا، تورسان، سلال‌زاده و بیتلیسی نیز در عثمانی بودند که سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی را با جدیت دنبال کردند و آنرا تا سده نوزدهم میلادی ادامه دادند (Fodor, 1986:221).

اندرزنامه‌های سیاسی از روزگار صفویان تا پایان دوران قاجار

پس از پاگرفتن دولت شیعی صفوی، اندرزنامه‌ها آکنده از احادیث شد و رنگ و بوی فرهنگ ایران باستان را از دست داد؛ حتی کسانی مانند لقمان حکیم جای

بایقرا؛ همچنین همایون‌نامه و مکارم‌الاخلاق (بیات، ۱۳۷۷:۱۷۱).

«نگارستان» اثر احمد بن محمد الغفاری (۹۷۵-۹۰۰ هـ.ق) دربرگیرنده سیرت داستان تاریخی مربوط به سلسله‌های گوناگون در خاور زمین است و تا اندازه‌ای به جوامع‌الحکایات عوفی شباهت دارد (بیات، ۱۳۷۷:۲۷۴). «روضه‌الانوار عباسی»، اثر ملا محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری (متوفی ۱۰۹۰ هـ.ق) معروف به محقق سبزواری، کتابی است در زمره آثار در زمینه اخلاق و آیین کشورداری. «قواعد السلاطین» اثری از محمد عبدالحسین بن احمد علوی عاملی به زبان فارسی و درباره اخلاق سیاسی است. این کتاب به سبک سیاست‌نامه‌های کهن نوشته شده و داستان‌هایی از زندگی شاهان و امیران گذشته دارد. رساله «آینه شاهی»، اثر ملا محسن فیض کاشانی (درگذشت ۱۰۹۰ هـ.ق)، «قواعد سلطانی» اثر سلطان محمد کاشانی، «ریاض‌الخلود» نوشته علامه ملا بوبکر مصنف چوری میروانی (درگذشت ۱۰۱۴ هـ.ق) و... از جمله اندرزنامه‌های سیاسی در دوران صفوی است.

در دوران قاجار درباریان، علما و حتی درویشان، اندرزنامه‌های بسیار نوشتند. «تحفه‌الملوک» اثر سیدجعفر کشفی دارابی در سال ۱۲۳۳ هـ.ق، به درخواست شاهزاده محمدتقی میرزا، به فتح‌علی‌شاه قاجار هدیه شد. اثر دیگر کشفی، «میزان‌الملوک و الطوائف و صراط‌المستقیم فی سلوک الخلائف» نیز اندرزنامه‌ای سیاسی به‌شمار می‌آید. «قانون سلطنت» یا «شمس‌الانوار» اثر محمدهاشم آصف ملقب به رستم‌الحکما در آغاز دوران قاجار تألیف شد. اندرزنامه «شیم عباسی» اثر محمدصادق مروزی کوتاه اما ادیبانه و پر از نکته‌های کاربردی در سیاست و کشورداری است. «تحفه عباسی» نیز اثر دیگری از مروزی است که به نام عباس میرزا نوشته شده و در آن لوازم فرمانروایی خوب مطرح گردیده است (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۲: ۳۶۶-۳۹۰؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵). از دیگر اندرزنامه‌ها در این دوران می‌توان به «اندرزنامه یحویه» اثر حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی، «چهار فصل سلطانی» یا «شیم فرخی» نوشته ملاعباس ماکویی مشهور به حاجی میرزا آقاسی،

بزرگمهر حکیم را در اندرزدهی گرفتند. مجلسی با نوشتن حلیه‌المتقین، جنبه حدیثی و همچنین صبغه شیعی اندرزها را در آداب‌نامه‌ها پررنگ کرد. در دوران قاجار، بسیاری آثار تأدیبی - تعلیمی نوشته شد (ترابی فارسانی و غندی، ۱۳۹۴: ۷۹) و در پرتو آشنایی و تعامل با غرب، دگرگونی بنیادی در محتوای متون به لحاظ نوع نگرش به انسان و حقوق انسانی در جریان مشروطه و سالهای پیش و پس از آن پدید آمد (همان: ۷۹). نویسندگان آثار منشور در روزگار قاجار چنان در نگارش آثار تعلیمی - تأدیبی کوشیدند که کارشان به پرگویی نزدیک شد (همان: ۷۸) و گاه افسارگسیخته تملق‌گویی می‌کردند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۳). در میان اندرزنامه‌ها و آثار سیاسی در دوران قاجار، کمتر اثری می‌توان یافت که عدالت را بعنوان اصل محوری در حکومت‌داری مطرح نکرده باشد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۷).

«حیب‌السیر» معروفترین اثر خواندمیر (تولد ۸۸۰ در هرات، وفات ۹۴۳ در دهلی) درباره رویدادها در جهان از آغاز تاریخ بشر تا سال ۹۳۰ هـ.ق یعنی سال درگذشت شاه اسماعیل صفوی است. تألیفات دیگر خواندمیر عبارت است از آثارالملوک دربرگیرنده مطالبی درباره کارکرد و سخنان خردمندان و پادشاهان قدیم؛ خلاصه‌الاجبار که فشرده‌ای از روضه‌الصفا و دستورالوزرا است و شامل مطالبی در شرح حال وزیران نامدار از آصف برخیا وزیر حضرت سلیمان و بوذرجمهر وزیر انوشیروان گرفته تا خواجه مجدالدین غیاث‌الدین پیراحمد خوافی وزیر سلطان حسین

● در اروپا، پیش از آغاز سده هجدهم، به دو دلیل عمده از اهمیت اندرزنامه‌ها کاسته شد: نخست پیدایش صنعت چاپ و معرفی سبک‌های تازه ادبی و دیگر، مطرح شدن موضوع ائتلاف یا تقسیم قدرت سیاسی میان افراد گوناگون؛ روش‌های تازه‌ای برای نگهداشت قدرت یا به دست آوردن آن در آینده مورد توجه قرار گرفته بود و به جای اوکلو، هابز و به جای ماکیاولی، کانت سربرآورده بودند.

● در طول سده پانزدهم، اندرزنامه‌هایی به سبک ایرانی در خاوردور نوشته شد. اندرزنامه‌های تیموری، هندی و حتی اندرزنامه‌های شیبانیان در آسیای مرکزی از آن جمله است. اندرزنامه‌نویسی در جنوب خاوری آسیا، بویژه در اندونزی نیز رواج داشت. کتابهای مهم «تاج‌السلطین» نوشته بخاری جوهری و «بستان‌السلطین» از نورالدین رائیری هر دو در سده هفدهم میلادی، از مهمترین آثار اندرزی سیاسی در این منطقه است. هر دو کتاب با اثرپذیری از اندرزنامه‌های ایرانی بویژه کلیلهدومنه و سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی نوشته شده و سلطان‌نشین مسلمان سوماترا (پادشاهی آچه) مشوق اصلی نویسندگان این کتابها بوده است.

۹۳-۱۱۶

- اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۷)، اخلاق، در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۷. چ ۲. تهران: مرکز انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

- اللهیاری، فریدون، اصغر فروغی ابری و محسن مرسل‌پور (۱۳۸۹)، «بازتاب کارکردهای نهاد شاهی در نامه طاهر به عبدالله»، گنجینه اسناد، س ۲۰، دفتر چهارم: ۲۹-۱۶.

- امانی چاکلی، بهرام و رقیه منافی (۱۳۹۴)، «مقایسه جنبه‌های مختلف اندرزنامه اردشیر ساسانی و وصیت‌نامه منصور عباسی»، سخن تاریخ، ۲۱(۹): ۱۱۱ تا ۱۳۳.

- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶)، ترکستان‌نامه، ترجمه کریم کشاورز، تهران: آگاه.

- بازورث، دارلی دران و دیگران (۱۳۹۰)، سلجوقیان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: مولی، چاپ دوم

- براون، ادوارد (۱۳۶۸)، تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، نیمه دوم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: مروارید.

- بستانی، احمد (۱۳۹۳)، «اندیشه سیاسی ایرانشهری در دوره اسلامی»، سیاست نظری، ش ۱۵، بهار و تابستان: ۱۵۵-۱۲۱.

- بستانی، احمد (۱۳۹۴)، «سهروردی و اندرزنامه نویسی اشراقی»، سیاست متعالیه، ۱۰(۳): ۲۱ تا ۳۸.

«خصایل‌الملوک» نوشته اسدالله ابن عبدالغفار ابن آقایی شهرخواستی مازندرانی متخلص به نادر، اندرزنامه میرزا قاضی محمدجعفر یزدی مشهور به ذوالریاستین، رساله «شرح عیوب» و «علاج نواقص مملکتی» اثر علی‌بخش قاجار، «قانون ناصری»، «قانون مظفری» و... اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

اندرزنامه‌های سیاسی مقوله‌ای مهم در زمینه اندیشه سیاسی و ابزاری برای نشان دادن راهکارهای عملی به حکومتها بوده است. در این نوشتار نشان داده شد که اندرزنامه‌ها چگونه به فرهنگها و زبانهای گوناگون راه یافته و شناخته شده است. هدف اصلی اندرزنامه‌ها به‌صورت کتاب یا نوشتارهای کوتاه و بلند، به نثر یا شعر، راهنمایی پادشاه یا دیگر خوانندگان و واداشتن آنان به تأمل در خود و در کارها بوده و بسیاری از مهارت‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی در آنها آموزش داده شده است. اندرزنامه‌نویسی سیاسی پدیده‌ای مختص به ایران و جهان اسلام نبوده، بلکه یک سنت مشترک و کهن میان بسیاری از فرهنگها بوده که از دوران ساسانی آغاز شده است. در اندرزنامه‌های سیاسی، حتی می‌توان روند تکامل حکومت بویژه در سده‌های میانی در اروپای مسیحی و جهان اسلام را بازجست. اندرزنامه‌ها در اروپا تا دوران رنسانس و در جهان اسلام تا سده نوزدهم میلادی، یعنی هنگام پیدایش حکومت‌های مدرن ادامه یافت. تأثیر سنت ایرانی اندرزنامه‌نویسی در جهان، نکته‌ای شایان توجه است و ردپای اندیشه و فرهنگ سیاسی ایرانی و بعدها ایرانی - اسلامی را می‌توان در اندرزنامه‌ها در دیگر سرزمینها یافت. انبوه اندرزنامه‌های نوشته شده، الگویی از آیین کشورداری بومی ایرانی و اسلامی پیش روی قرار می‌دهد که دربردارنده آموزه‌های ارزشمند و بسی نکته‌های آموزنده و راهگشاست.

منابع

- اسماعیلی، زیبا (۱۳۹۵)، «حقوق متقابل حاکم و مردم در متون اندرزی با تکیه بر اسکندرنامه»، حقوق ملل، ۲۱(۶):

- بیات، عزت‌الله (۱۳۷۷)، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، تهران: امیرکبیر. ج ۱ و ۲
- تاجیک نشاطیه، نرگس (۱۳۹۴)، «خوانش تفسیری اخلاق محسنی به مثابه اندرزنامه سیاسی عصر تیموری»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۳(۷) تابستان ۱۳۹۴: ۹۵-۱۲۵.
- ترابی فارسانی، سهیلا و علی اکبر غندی (۱۳۹۴)، «آداب‌نامه‌ها و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری اجتماعی (با تأکید بر عصر قاجار)»، تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهرا (س)، س ۲۵، ۲۷ (۲۵) پیاپی ۱۱۷: ۱۰۲-۶۵.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- حَلَبی، علی اصغر (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلام، تهران: اساطیر.
- خوئینی، عصمت و سجاد رحمتیان (۱۳۹۴)، «بررسی مآخذ برخی از اندرزهای شاهنامه»، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۱، پیاپی ۲۵: ۱۱۵ تا ۱۳۶.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲)، تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران: قومس.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸)، اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی، تهران: امیرکبیر.
- روزبهبانی، سعید و ابوالقاسم امیراحمدی (۱۳۹۳)، «آموزه‌های زهدی و اخلاقی در شعر قرن چهارم با تکیه بر اشعار کسایی»، ادبیات تعلیمی، ۲۴(۶) زمستان ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۴۹.
- روزنتال، اروین آی جی (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه، ترجمه علی اردستانی، تهران: قومس.
- ربیبکا، یان (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: سخن. ج ۱.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۲)، «تحول اندیشه‌های سیاسی در دوره قاجار (از آغاز تا پایان دوره ناصری)»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ----- (۱۳۸۶)، «دفاع از سلطنت مطلقه، تأملی بر اندیشه ذوالریاستین»، تاریخ، ۵(۲): ۵۶-۴۱.
- ----- (۱۳۹۵)، سیاست‌نامه‌های قاجاری: سی‌ویک اندرزنامه سیاسی عصر قاجار (چهار جلد)، تهران: نگارستان اندیشه.
- شرفی، محبوبه (۱۳۹۰)، «اندرزنامه‌نویسی سیاسی در عصر
- ایلخانی»، مطالعات تاریخ اسلام، ۱۰(۳): ۹۳-۱۱۴.
- طباطبایی، جواد (۱۳۶۷)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ----- (۱۳۸۸)، درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.
- ----- (۱۳۹۰)، خواجه نظام‌الملک: گفتار در تداوم فرهنگی، تهران: نگاه معاصر.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۸۹)، سیاست‌نامه، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوسی. ج ۲.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوسی. ج ۱.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، «اندرز»، ایران‌نامه، ۲۸ (۷): ۴۰۴-۳۸۳.
- ضیایی، حسین (۱۳۷۸)، سهروردی و سیاست، منتخبی از مقالات فارسی درباره شیخ اشراق، به اهتمام حسن سیدعرب، تهران: شفیع.
- عباس، احسان (۱۳۴۸)، عهد اردشیر، ترجمه محمدعلی امامی شوشتری، تهران: بهمن.
- علی مددی، منا (۱۳۹۴)، «تبارشناسی ادبیات تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۲۵(۷): ۱۳۸-۱۰۹.
- فرای، ریچارد ن. (۱۹۶۰)، «تولد دوباره پارس‌ها در نقطه عطف هزاره»، در کتاب: اسلام ۳۵.
- فوشه‌کور، شارل هانری (۱۳۷۷)، اخلاقیات، ترجمه مجیدعلی امیرمعزی و عبدالحمید روحبخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۸)، تاریخ تحول دولت در اسلام، تهران: دانشگاه مفید.
- فیرحی، داود (۱۳۸۹)، «خواجه نظام‌الملک و سیاست‌نامه نویسی در تمدن اسلامی»، مهرنامه ۶(۱) آبان ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۸.
- قادری، حاتم (۱۳۹۱)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۵۰)، کارنامه شاهان، ترجمه باقر

- امین‌خانی و بهمن سرکاراتی (کمیته استادان)، تبریز: دانشگاه تبریز.
- دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه صادق نشات، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لمبتون، آن‌کی‌اس (۱۳۷۴)، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- محمدی، محمد (۱۹۶۴)، الترجمة و نقل الفارسیه فی القرون الاسلامی الاولی، الجزء الاول: بیروت.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۵۲)، ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، تهران: نشر توس.
- مرسلپور، محسن، حسین شیرمحمدی و مرضیه شریفی (۱۳۹۱)، «بازیابی اندرزه‌های اردشیر ساسانی در تاریخ فخری»، تاریخ در آیین پژوهش، ۹(۱): ۸۹-۱۰۰.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۷)، «تأملی در اخلاق: از اوستا تا شاهنامه»، ایران‌نامه، ش ۵۷۹-۵۹۶: ۶۴.
- مشتاق مهر، رحمان (۱۳۸۵)، «حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرزن‌نامه‌های جاویدان خرد»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۶، بهار و تابستان، صص ۸۵-۹۸.
- میرباقری فرد، سیدعلی اصغر و دیگران (۱۳۸۱)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: سمت. ج ۱.
- (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: سمت. ج ۲.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۱)، «بازتاب اندرزن‌نامه‌های پهلوی در ادب و حکمت ایران اسلامی»، کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱(۳): بهار و تابستان: ۱۰۷ تا ۱۱۹.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر نو. ج ۱.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: فروغی.
- واعظ کاشفی سبزواری، ملاحسین (۱۳۵۰)، فتوت‌نامه سلطانی، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: کتابفروشی فروغی.
- یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۱)، «اندرزن‌نامه، رساله تعلیمی تازه یافته از بسمل شیرازی» پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۱۶(۴): ۸۳-۱۰۲.
- یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۸۳)، «متدولوژی سیاست‌نامه نویسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸: ۱۳۴-۱۲۳.
- Abbés, Makram (2010), **La pensée de la paix dans les miroirs des princes arabes**, dans le livre la Civilisation Arabo- Musulmane au miroir de L'Universel, Paris: Mangaña.
- Aigle, Denise (2007 a), "La conception du pouvoir dans l'islam, Miroirs des princes persans ET theories sunnites" (XIe-XIVe si_ecles), **Perspectives Medievales**, vol. 31, 2007, pp 17- 44, <https://halshs.archives-ouvertes.fr/halshs-00447399>.
- Aigle, Denise (2007 b), The Mongol Invasions of Bilād al-Shām by Ghāzān Khān and Ibn Taymīyah's Three "Anti-Mongol" Fatwas, **Mamluk Studies Review** 11:2. pp 89-120.
- Al-Azmeh, Aziz. (1997). "Muslim Kingship: Power and the Sacred" in **Muslim, Christian and Pagan Politics**. I.B. Tauris.
- Arjomand, S. A (2013) "Perso-Islamic Political Ethic in Relation to the Sources of Islamic Law", in: M. Boroujerdi (ed.), **Mirror for the Muslim Prince, Islam and the Theory of Statecraft**, New York, pp 83-106.
- Black, Antony (2011), **The history of Islamic political thought, from the prophet to the present**, second edition, Edinburgh University Press Ltd.
- Blydes, Lisa et al (2013), "Mirrors for Princes and Sultans: Advice on the Art of Governance in the Medieval Christian and Islamic Worlds", 2013: presented at the annual meeting of the **American Political Science Association**, Chicago IL, August 2013, <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/versions?doi=10.1.1.689.4359>
- Born, Lester Kruger (1928), "The Perfect Prince: a

- Ferguson, Heather (2010), *Genres of Power: Constructing a Discourse of Decline in Ottoman Nasihatname*, **Osmanli Arastirmalari**, sayı xxxv, pp 81-116.
- Fodor, PÁL (1986), State and society, crisis and reform in 15-17th Century Ottoman Mirror for princes, **Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae**, Vol. 40, No. 2/3 (1986), pp. 217-240.
- Forhan, Kate Langdon (2002), **The political theory of Christine de Pizan**, England, Burlington: Ashgate.
- Genet, Jean-Philippe (2003), L'évolution du genre des Miroirs des princes en Occident au Moyen Âge, Religion et mentalités au Moyen Âge : mélanges en l'honneur d'Hervé Martin, sous la dir. de Sophie Cassagnes-Brouquet, Amaury Chauou, Daniel Pichot... [et al.], Rennes, Presses universitaires de Rennes, 2003, p. 531-541.
- Gutas, Dimitri (1981), «Classical Arabic Wisdom Literature: Nature and Scope», **Journal of the American Oriental Society**, Vol. 101, No. 1, Oriental Wisdom, pp. 49-86. <http://www.jstor.org/page/info/about/policies/terms.jsp>
- Howard, Douglas A. (2008), "From Manual to Literatue: Two Texts on the Ottoman Timar System", **Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hung**. Volume 61 (1-2), 87-99, DOI: 10.1556/AOrient.61.2008.1-2.9.
- Jónsson, Einar Már (2006), Les «miroirs aux princes» sont-ils UN genre littéraire? Médiévales, 51, automne 2006, Presses Universitaires de Vincennes, pp. 153-166.
- Lambton, Ann K.S. (1971), "Islamic Mirrors for Princes". In **Atti del Convegno Internazionale dul Tema: La Persia del Medioevo**. Accademia Nazionale dei Lincei pp. 419- 442.
- Leder, Stefan (1999), Aspekte arabischer und persischer Fürstenpiegel, In Erlesenes Sonderheft der Halleschen Beitrage zur Orienrwissenschaft, Kongresses der Union Study in Thirteenth-and Fourteenth- Century Ideals”, **Speculum: A Journal of Mediaeval Studies** 3 (4): 470- 504.
- Bosworth, C. E. (1970), "An Early Arabic Mirror for Princes: □āhir Dhū l-Yamīnain's Epistle to His Son Abdullah" (206/821), **Journal of Near Eastern Studies**, 1(29)(Jan., 1970): 25-41, Published by: University of Chicago Press.
- Bosworth, C. E. (1983), "The Persian impact on Arabic literature", in **Arabic Literature to the end of the Umayyad period**, Edited by A. F. L. Beeston, T. M. Johnstone, R. B. Serjeant AND G. R. Smith, Cambridge: Cambridge University Press.
- Canning, Joseph (1996), **A history of medieval political thought, 300–1450**, London: Routledge.
- Chopin, Myriam (1999), "la prudence dans les miroir aux prince", **Chronicles Italiennes**, N 60, pp 87- 98.
- Crone, Patricia (2004), **Medieval Islamic Political Thought**, Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.
- Dakhliya, Jocelyne (2002), "Les Miroirs des princes islamiques: une modernité sourde?" In: **Annales. Histoire, Sciences Sociales**. 57□ année, N. 5, 2002. pp. 1191-1206; doi: 10.3406/ahess.2002.280102.
- Darling, Linda T. (2013), "Mirrors for Princes in Europe and the Middle East: A Case of Historiographical Incommensurability", In **East meets West in the middle ages and early modern times**, e. by Classen, Albrecht, ISBN 978-3-11-032151-7, The University of Arizona, Tucson, USA, pp. 223-242, https://www.academia.edu/4117152/Mirrors_for_Princes_in_Europe_and_the_Middle_East_A_Case_of_Historiographical_Incommensurability?auto=download 2016/8/1.
- De Menasce, J. P. (1958). **Une encyclopédie Mazdéene, le Denkart**, Paris.
- Falkowski, Wojciech (2008), "The Carolingian Speculum principis- The birth of gener, Medieval Studies", **Acta Poloniae Historica** 98, PL ISSN 0001 – 6829, pp 5-27.

- Sariyannis, Marinos (2015), **Ottoman Political Thought up to the Tanzimat: A Concise History**, Rethymno, Greece: Institute for Mediterranean Studies.
- Simidchieva, Marta. (2004). "Kingship and Legitimacy in Nizam al-Mulk's *siyassatnama*, Fifth/Eleventh century", in **Writers and Rulers: Perspectives on their Relationship from Abbasid to Safavid Times** (Literaturen Im Kontext. Arabisch - Persisch - Türkisch), by Beatrice Gruendler and Louise Marlow (eds), Germany: reichert Verlag Wiesbaden.
- Sourdel, Dominique (1954), *La biographie d'Ibn al-Muqaffa* □ d'après les sources anciennes Arabica, T. 1, Fasc. 3, pp. 307-323, published by: BRIL, <http://www.jstor.org/stable/4054836>.
- Syros, Vasileios (2012), **Indian Emergencis: BARANĪ'S FATĀWĀ-I JAHĀNDĀRĪ**, The diseases of the body politic and Machiavelli accident, University of Hawai'i Press: Philosophy East and West, Vol. 62, No. 4, pp. 545-573.
- Tezcan, Baki (2013), **The Second Ottoman Empire: Political and Social Transformation in the Early Modern World**, Cambridge Studies in Islamic Civilization, New York: Cambridge University Press, DOI: <https://doi.org/10.1093/ahr/118.1.291>
- Yarshater, Ehsan (2006), *The Cambridge History of Iran (Volume 3: the Seleucid, Parthian and Sassanid periods)*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Yavari, Nequin (2008), "Mirrors for Princes or a Hall of Mirrors? Ni□ām al-Mulk's *Siyar al-mulūk*, Reconsidered, Al-Masaq." **Journal of the Medieval Mediterranean**, 20:1, 47-69, DOI: 10.1080/09503110701823551.
- Ziai, Hossein (1992), "Source and Nature of Authority: A study of Suhrawardī's: Illuminationist Political Doctrine", In, **The Political Aspects of Islamic Philosophy**, edited by Charles Butterworth. Cambridge: Harvard University Press, pp. 304-344.
- Europeenne d'Arabisants ET Islamisants. Halle: Inst. Fur Orientalistik, pp 120- 151.
- Leder, Stefan (2015), "Sultanic Rule in the Mirror of Medieval Political Literature", Nequin Yavari, Regula Forster (eds.): **Global Medieval: Mirrors for princes revisited**, Harvard: Harvard University Press (Ilex Foundation) 2015, 93-111. http://www.orientinstitut.org/fileadmin/user_upload/Leder/Leder_Sultanic_Rule.pdf. 2016/8/1.
- Luce, Mark David (2010), "Mirrors for Princes Islamic", in **Handbook of medieval studies: terms, methods, trends**, edited by Albrecht Classen, Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co. KG.
- Marlow, Louise (2004), "The Way of Viziers and the Lamp of Commanders (Minhaj al-wuzara' wa-siraj al-umara') of Ahmad al-Isfahbadhi and the Literary and Political Culture of Early Fourteenth-Century Iran", In: **Writers and Rulers. Perspectives on Their Relationship from Abbasid to Safavid Times**. p 193.
- Marlow, L. (2009), "Surveying Recent Literature on the Arabic and Persian Mirrors for Princes Genre, History Compass", **Journal Compilation**, 2009 Blackwell Publishing Ltd. p 523–538.
- ----- (2013a). Mirrors for Princes. In *The Princeton Encyclopedia of Islamic Political Thought*. Princeton University Press pp. 348{350.
- ----- (2013b). "Advice and Advice Literature". In **Encyclopedia of Islam**. Vol. 3 Brill Online.
- Ohlander, Erik (2009), *Enacting Justice, Ensuring Salvation: The Trope of the 'Just Ruler' in Some Medieval Islamic Mirrors for Princes*, "The Muslim world", Hartford Seminary. Published by Blackwell Publishing Ltd., 9600 Garsington Road, Oxford, OX4 2DQ, UK and 350 Main Street, Malden, MA 02148 USA. pp. 237- 252.
- Rosenthal, Erwin I.J (1962), **Political Thought in medieval Islam**, Cambridge: Cambridge University Press.